

مجله زبان و ادبیات عربی (مجله ادبیات و علوم انسانی سابق) (علمی - پژوهشی)، شماره شانزدهم - بهار و تابستان ۱۳۹۶

دکتر انسیه طالبی^۱ (دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
دکتر عباس طالب زاده شوشتری^۲ (دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده
مسئول)

دکتر احمدرضا حیدریان شهری^۳ (دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

بررسی خطبه‌های جنگ امام علی (ع) بر اساس نظریه کنش‌گفتاری

چکیده

این جستار به ارائه نظریه کنش‌گفتاری آستین و تعاریف و تقسیمات وی و همچنین اقدامات تکمیلی سرل می‌پردازد. سپس خطبه‌های جنگ ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ را از دیدگاه نظریه کنش‌گفتاری بررسی کرده و تلاش می‌کند پنجره‌ای به روی تحقیقات کاربرد شناسانه و کنش‌گفتاری در متون ادبی بگشاید. به‌منظور نیل به این هدف، در ابتدا به برشماری کنش‌های گفتاری پنج‌گانه و مفاهیم مستقیم و غیرمستقیم آن پرداخته و با توجه به بافت، خطبه‌های مذکور از دیدگاه کاربردشناسی تحلیل می‌شود. از نتایج قابل‌ذکر، در صد بالای کنش عاطفی در میان آمار کنش‌های پنج‌گانه است که در خطبه‌های بررسی شده به ترتیب این ارقام را ثبت کرده است: ۵۶٪، ۶۰٪، ۴۶٪، و ۸۰٪. نسبت افزایش و کاهش پنج کنش‌گفتاری در خطبه‌های جنگ امام علی (ع) نسبت مشترکی است، به‌گونه‌ای که حداکثر کنش‌ها متعلق به کنش عاطفی است. کنش اظهاری در سه خطبه در جایگاه دوم و کنش ترغیبی در مرتبه سوم قرار دارد. کمترین میزان ثبت شده از آن کنش تعهدی و اعلامی است، زیرا امام علی (ع) در پی بیان تعهد خویش به امر خاصی نبوده است، کما این‌که ایشان در صدد بیان شرایط جدیدی نیست که مستوجب تعهد به آن باشد.

کلیدواژه‌ها: کاربردشناسی، کنش‌گفتاری، کنش غیربیانی، خطبه‌های جنگ.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

1. ensiehtalebi78@yahoo.com

2. shoshtari@ferdowsi.um.ac.ir پست الکترونیکی:

3. heidaryan@ferdowsi.um.ac.ir

۱- مقدمه

با توجه به جایگاه بافت نزد علوم نقدی سنتی و جدید شاهد حضور دو نوع رویکرد هستیم. رویکرد اول که در علمی چون معناشناسی و ساختارگرایی متجلی می‌شود، خود زبان به‌عنوان عنصر اصلی رسیدن به معنا و مقصود نگاه می‌شود. مبنای این رویکرد که تحت تأثیر فردینان دو سوسور^۱ (۱۹۱۳-۱۸۵۷م.) بود، استقلال زبان است. در این رویکرد به تأثیرات تاریخی، اجتماعی یا روان‌شناختی بافت صدور سخن توجهی نمی‌شد (البحیری، ۱۴۳۲ق: ۷۵۷) اما در رویکرد دوم که شامل مطالعات کاربرد شناسانه می‌شود، مقوله بافت از اهمیت بالایی برخوردار است و بدون در نظر گرفتن عناصر بافت، امکان رسیدن به مقصود و معنا وجود ندارد. اهتمام به بافت در این‌گونه پژوهش‌ها موجب ایجاد تحولات عظیمی در علوم نقدی گردید. در کاربرد شناسی، کاربرد زبان نسبت به ساختار زبانی اولویت دارد و زبان را در حین کاربرد میان طبقات مختلف بررسی می‌کند. این علم، زبان را کلامی می‌داند که از گوینده صادر و با عبارات ویژه‌ای در موقعیت ارتباطی منحصر به فردی به منظور تحقق هدف ارتباطی خاصی به مخاطب منتقل می‌شود (صحرایی، ۲۰۰۵: ۲۶). از نظر نشانه‌شناسان بارزترین نظریه کاربرد شناسی نظریه کنش‌گفتاری جان سرل^۲ است و این نظریه نسبت به دیگر نظریه‌ها به بافت و عناصر آن اهتمام بیشتری می‌ورزد.

کاربردشناسی مبحثی از مباحث نشانه‌شناسی است، که در دهه هفتاد قرن بیستم در چارچوب مجموعه‌ای از مسائل، از جمله تحلیل گفتگو^۳، تحلیل متن^۴، و تحلیل گفتمان^۵ شکل گرفت (محمد مزید، ۲۰۱۰: ۲۰). بررسی کاربرد شناختی به حوزه‌های گسترده‌ای کشیده شده است و با منطق، نشانه‌شناسی، جامعه‌شناسی زبان و... ارتباط دارد (لعور، ۲۰۱۰-۲۰۱۱: ۷).

بلندای کلام امام علی (ع) در فصاحت و بلاغت و شگفتی به‌اندازه‌ای عظمت دارد که به گفته گرینگوی انگلیسی استاد دانشگاه علی‌گره هندوستان قرآن برادر کوچک‌تری دارد به نام نهج‌البلاغه که احدی نمی‌تواند مانندش را بیاورد. (حجازی، ۱۳۶۶: ۱۱) گزینش چند خطبه از

1. Ferdinand de Saussure
2. John Rogers Searle
3. Conversation Analysis
4. Text Analysis
5. Discourse Analysis

میان خطبه‌های بلیغ و شیوای نهج‌البلاغه کاری بس دشوار است، زیرا به هر خطبه و کلام که می‌نگری، دریایی از فصاحت و بلاغت را در آن می‌یابی؛ اما به‌منظور بررسی مقایسه‌ای خطبه‌های امام علی (ع) دو خطبه شماره ۱۳ و ۱۵۶ را برگزیده‌ایم، که هر دو در یک دوره زمانی کوتاه ایراد شده است. امام علی (ع) خطبه اول را پس از پایان جنگ جمل و خطبه دوم را چند روز پس از جنگ، با استقرار آرامش در بصره خطاب به بصریان و اصحاب جمل ایراد نمود. از آنجاکه هر دو مورد مرتبط به یک واقعه و تنها با فاصله چند روز ایراد شد، در نگاه اول انتظار نمی‌رود تفاوت شایانی از دیدگاه کنش‌های گفتاری ملاحظه شود؛ اما از آنجاکه خطیب این خطبه‌ها امیرالمؤمنین علی (ع) است، با مشاهده اندک تفاوتی در شرایط مخاطب، کلام خود را به‌منظور تأثیر بیشتر تغییر می‌دهد.

با توجه به کمبود پژوهش‌های تخصصی در کشور ما در حوزه کاربرد شناسی در زبان و ادبیات عربی، این پژوهش به ارائه نمونه‌ای عملی از پژوهش‌های زبانی در زمینه زبان و ادبیات غنی زبان عربی کمک می‌کند.

الف. سؤالات پژوهش

سؤالات این پژوهش شامل موارد زیر است:

۱. اصول نظریه کنش‌های گفتاری تا چه میزان برای تطبیق و اجرا در متون مختلف مناسب است؟
۲. در خطبه‌های امیرالمؤمنین علی (ع) درباره جنگ با شامیان از چه کنش‌های غیر بیانی استفاده شده است؟
۳. بالاترین و کمترین آمار به کدام یک از کنش‌های غیر بیانی اختصاص دارد؟
۴. آیا استفاده بیشتر یا کمتر از کنش‌های غیر بیانی در یک خطبه علت خاصی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است، علل آن چیست؟
۵. آیا با بررسی میزان استفاده از کنش‌های غیر بیانی ما را به افکار گوینده و مخاطب می‌رساند؟ اگر پاسخ مثبت است، این موضوع در خطبه‌های جنگ امام علی (ع) ما را به چه افکاری رهنمون می‌شود؟

۶. بین خطبه‌های جنگ امام علی (ع) با معاویه چه وجه تشابه و تفاوتی وجود دارد؟ این تفاوت‌ها و تشابهات نشان دهنده چه موضوعی است؟

ب. پیشینه پژوهش

در کشور ما زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و سیاسی از جمله علوم است که از نظریه کنش گفتاری بهره برده است. علم زبان‌شناسی در چند حوزه از جمله آموزش زبان و به‌کارگیری کنش‌های گفتاری پنج‌گانه و یا افعال آن‌ها توسط کاربران زبان از این نظریه بهره می‌گیرد. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که نگاه و روش این پژوهش با موارد ذکر شده متفاوت است و در تطبیق این نظریه در متون سیاسی، ادبی و دینی شاهد تعداد انگشت‌شماری پژوهش هستیم. در زمینه علوم سیاسی پژوهش می‌توان به پژوهش پهلوان‌نژاد و همکاران اشاره کرد که با عنوان تحلیل کنش گفتاری پاره‌ای از متون سیاسی معاصر (۱۳۸۶) نگاشته شده است. از جمله کارهای صورت‌گرفته در زمینه متون دینی شاهد آثاری چون تحلیل زیارت امام رضا (ع) از پهلوان نژاد و... (۱۳۸۹) و بررسی خطبه ۵۱ نهج‌البلاغه توسط فضائلی و نگارش (۱۳۹۰) هستیم. در متون ادبی نیز می‌توان به پژوهش‌هایی چون تحلیل ژانر شطح بر اساس نظریه کنش گفتار نگاشته شده توسط زرقانی و اخلاقی اشاره کرد.

ویژگی بارز این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های پیشین به‌کارگیری مقوله بافت و عناصر آن از دیدگاه ناقدین برجسته و بررسی تمامی پاره‌گفتارهای خطبه به طور دقیق و مطابق با ویژگی‌های زبان عربی است.

ج. مراحل پژوهش

این مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. بخش تئوری: در این بخش در حد مجال مقاله، به شرح کاربردشناسی، نظریه کنش گفتاری و بافت می‌پردازیم.

۲. بخش تطبیقی: این بخش پژوهش شامل تعیین کنش‌های گفتاری خطبه‌های جنگ و تحلیل کاربرد شناسانه آن‌ها است. این کار در سه مرحله انجام می‌شود:

۱. در ابتدا نوع کنش گفتاری را تعیین می‌کنیم. این مرحله بدون در نظر گرفتن کنش غیر بیانی پاره‌گفتارها و تنها با توجه به ظاهر پاره‌گفتار انجام می‌شود. به عبارتی دیگر، بدون

توجه به بافت و تنها به‌عنوان بخشی مستقل به آن می‌نگریم و نوع کنش آن را تعیین می‌کنیم. به عبارتی دقیق‌تر، نوع کنش ظاهری یا مستقیم هر پاره‌گفتار را مشخص می‌نماییم.

۲. در مرحله دوم، از طریق کنش‌های گفتاری در پی تعیین قصد گوینده برمی‌آییم. با تعیین کنش غیر بیانی پاره‌گفتارها بدین مهم دست می‌یابیم. چگونه می‌توان به طور دقیق قصد گوینده را بی‌آنکه اشتباهی روی دهد، تشخیص داد؟ تحلیلگر چه کاری باید انجام دهد تا از تأثیر افکار خود بر تعیین نوع کنش غیر بیانی اجتناب شود؟ در پاسخ به این پرسش‌ها باید از بافت درونی و بیرونی تم سک بجوییم و با توجه به آن‌ها نوع کنش غیر بیانی پاره‌گفتارها را تعیین کنیم. بافت به تحلیلگر کمک می‌کند تا تشخیص دهد پاره‌گفتار به معنای حقیقی یا مجازی به کار رفته است. اگر گوینده معنای حقیقی یا معنای مستقیم آن را در نظر داشته است، کنش ظاهری و غیر بیانی یا غیرمستقیم با یکدیگر مطابقت می‌کنند. به طور خلاصه باید گفت در این مرحله کنش ظاهری یا کنش غیر بیانی هر پاره‌گفتاری مشخص می‌شود.

۳. در این مرحله، با بهره‌گیری از داده‌های دو مرحله پیشین، پاره‌گفتارهای مستقیم و غیرمستقیم و همچنین پاره‌گفتارهای ساده و پیچیده را تعیین می‌کنیم. در پایان، با توجه به میزان بهره‌گیری از هر کنش گفتاری، هر خطبه را تحلیل می‌کنیم. درعین حال، خطبه‌های چهارگانه را با توجه به آمار به دست آمده در مراحل پیشین، با یکدیگر مقایسه می‌کنیم. در این پژوهش به خطبه‌ها نه از دیدگاه واژگانی، صوتی یا نحوی، بلکه از دیدگاه کاربردشناسانه می‌نگریم.

۲- کاربردشناسی^۱

برخی از دانشمندان زبان‌شناسی معتقدند «کاربردشناسی نامی جدید برای اسلوبی قدیمی است که با سقراط آغاز شد، سپس ارسطو و دیگران دنباله‌روی وی بودند.» (لهویمل، ۲۰۱۱):

1. Pragmatics.

۱۵۹) اگر آن را بخشی از زبان شناسی ندانیم، می‌توانیم آغاز آن را در گذشته‌های دور بیابیم، هرچند اصطلاح کاربردشناسی برای آن وضع نکردند.

چارلز موریس^۱ (۱۹۷۹-۱۹۰۱) از مؤسسان نظریه کاربردشناسی، این نظریه را بخشی از نشانه‌شناسی می‌داند.

کاربردشناسی بررسی زبان در دو مقوله کاربرد آن و ارتباط در زبان است، زیرا طبق این تعریف معنا به‌تنهایی در واژگان یافت نمی‌شود. از سوی دیگر، معنا به‌تنهایی به‌گوینده و یا شنونده مرتبط نیست، بلکه هر دوی آن‌ها در آن دخیل هستند؛ بنابراین معنا در فرآیند کاربرد زبان میان گوینده و شنونده در یک بافت (مادی، اجتماعی و زبانی) مشخص پدید می‌آید. (النجار، ۲۰۰۵: ۱).

کاربردشناسی هر آنچه را که می‌تواند به درک بهتر معنا و ارتباط بین گوینده و شنونده بیانجامد، بررسی می‌کند. این علم با بررسی بافت سخن و همه شرایط اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، زمانی و مکانی، به تحلیلگر این امکان را می‌دهد که در رسیدن به مقاصد و اهداف گوینده، بهتر عمل کند. (عبدالحکیم، ۲۰۰۹: ۶)

برخی از سؤالاتی که علم کاربردشناسی برای پاسخ دادن به آن‌ها تلاش می‌کند، در ذیل آمده است: کاربردهای زبان چیست؟ در زمان سخن گفتن یا نوشتن چه اتفاقی می‌افتد؟ واژگانی که یک سخنگو آن‌ها را به زبان می‌آورد، چیست؟ چه کسی سخن می‌گوید و چه کسی شنونده سخن است؟ چه کسی آغازکننده سخن است و هدفش از سخن گفتن چیست؟ برای از بین بردن ابهام سخن، به چه اطلاعاتی نیازمند هستیم؟ چگونه می‌توان سخنی را بیان کرد و چیز دیگری را قصد کرد؟ آیا معانی ظاهری جملات مفاهیمی هستند که بتوان به آن اعتماد کرد؟ وجود چنین سؤالاتی در کاربردشناسی نشان می‌دهد این علم از مرزهای ظاهری زبان فراتر رفته است و به ارتباط بشری اهمیت می‌دهد. از این رو، کاربردشناسی علم کاربرد زبان نیز نامیده می‌شود، زیرا زبان را با توجه به ابعاد ارتباطی آن بررسی می‌کند.

نظریه کنش‌های گفتاری از مهم‌ترین نظریه‌های کاربردشناسی است و نزد زبان‌شناسان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و پایه و اساس ساختار نظری آن را تشکیل می‌دهد.

1. Charles William Morris

۳- نظریه کنش‌های گفتاری^۱

در نظریه کنش‌های گفتاری، نام دو تن یعنی آستین و جان سرل می‌درخشد. آستین در سخنرانی‌هایش در سال ۱۹۵۵ در دانشگاه هاروارد به بیان آرای خویش پرداخت و از این طریق راه را برای نظریه کنش گفتاری یا کارگفت باز کرد. ایده‌های وی در سال ۱۹۶۲ در کتابی با عنوان "چطور می‌شود با واژه‌ها کاری انجام داد"^۲ چاپ شد.

از آنجاکه آستین از اصطلاح پاره‌گفتار استفاده می‌کند، توضیحاتی در باب تفاوت پاره‌گفتار و جمله بیان می‌کنیم. اگرچه به اقرار بزرگانی چون جان لاینز تفاوت این دو مقوله امری است که نزد اهل تخصص نیز واضح و آشکار نیست، (لاینز، ۱۳۹۱: ۵۵) در بیان تفاوت میان این دو عنصر می‌توان گفت جمله بیرون از بافت و بدون توجه به تولیدکننده آن مطرح می‌شود و به‌نوعی به سطحی انتزاعی از زبان تعلق دارد، اما پاره‌گفتار در زمان و مکانی خاص، توسط فردی خاص ادا می‌شود. (سا سانی، ۱۳۸۹: ۳۶) همچنین «این تمایز را می‌توان به تفاوت میان زبان یا توانش از یک سو و گفتار یا کنش از سوی دیگر مربوط ساخت». (پالمر، ۱۳۸۱: ۲۵)

۴- انواع پاره‌گفتار از دیدگاه آستین

الف. اخباری و اجرایی

آستین در تقسیم‌بندی اولیه‌اش، پاره‌گفتار را به دو نوع اخباری^۳ و اجرایی^۴ تقسیم می‌کند. پاره‌گفتارهای اخباری گزاره‌های زبانی هستند که گوینده از طریق آن‌ها به توصیف می‌پردازد و قابلیت صدق و کذب دارند، اما پاره‌گفتارهای اجرایی از وقوع کاری سخن می‌گویند و قابلیت صدق و کذب ندارند. در واقع «بیان موضوعی به‌منزله انجام کاری است و تنها به بیان آن منحصر نمی‌شود.» (Austin, 1962: 6-7) بنابراین، وقتی می‌گوییم «أكل زيد التفاحه» هدف ما این است که زید عمل خوردن را انجام داده است و هدف تنها بیان جمله نیست. همچنین می‌توان درباره این جمله حکم صدق و کذب داد. درنهایت آستین به این نتیجه رسید که تمامی پاره‌گفتارهای خبری به‌گونه‌ای اجرایی هستند و هر گفته‌ای وجهی اجرایی یا توانی گفت-

1. Speech Act Theory

2. How to Do Things with Words

3. Constative

4. Performative

کنشی^۱ دارد که نوع کنش گفتاری انجام شده را تعیین می‌کند. درعین حال هر گفته‌ای، محتوایی توصیفی یا گزاره‌ای هم دارد. (لایکن، ۱۳۹۲: ۲۶۷)

ب. کنش گفتاری مستقیم^۲ و غیرمستقیم^۳

آستین در تقسیمی، کنش گفتاری را به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌کند. کنش گفتاری مستقیم کنشی است که جمله در آن با ضمیر «من» آغاز می‌شود و پس از آن فعل مضارع می‌آید و جمله دربردارنده کار یا عملی است، مانند: من {بدین و سیله} به شما وعده می‌دهم که از هفته آینده درس بخوانم. این جمله با ضمیر «من» آغاز شد، حاوی یک عمل (وعده دادن) است که با کنش‌های گفتاری تنا سب دارد. سپس گوینده کاری را که می‌خواهد انجام دهد یعنی درس خواندن را بیان کرده است.

کنش گفتاری غیرمستقیم کنشی است که جمله به طور مستقیم حاوی عمل نباشد که بر انجام کاری دلالت می‌کند، مانند: "از هفته آینده درس می‌خوانم." در این جمله عمل و کاری ذکر نشده است. همچنین در ابتدای جمله نیز ضمیر من نیامده است. روشن است که این تقسیم بر اساس ظاهر کنش گفتاری و کنش غیر بیانی آن، مطرح شده است. اگر بخواهیم درباره تقسیم کنش‌های گفتاری بر اساس کنش غیر بیانی سخن بگوییم، باید دو نوع کنش‌های ظاهری و غیر بیانی بر اساس نظریه جان سرل (یول، ۱۳۸۷: ۷۶) عنوان کنیم که در ادامه درباره آن سخن می‌گوییم.

ج. سه نوع اصلی کنش

آستین برای پاره‌گفتارهای اجرایی، سه نوع کنش در نظر گرفت:

۱. کنش بیانی^۴: تولید پاره‌گفتار همان کنش بیانی نامیده می‌شود.

۲. کنش غیر بیانی^۵: گوینده با بیان سخن خود، مقصود خاصی را دنبال می‌کند. در حقیقت

کنشی بودن پاره‌گفتار به دلیل وجود همین کنش است.

-
1. Illocutionary force
 2. Explicit
 3. Primary
 4. Locutionary act
 5. Illocutionary act

۳. **کنش پس بیانی^۱ (تأثیری):** کنش پس بیانی واکنشی است که مخاطب نسبت به پاره‌گفتار نشان می‌دهد. این کنش تأثیری است که بر مخاطب می‌گذارد (رزقی، ۲۰۱۴: ۱۲۱). سه کنش مذکور را در پاره‌گفتار «من قول می‌دهم که فردا با تو به دانشگاه بیایم» بررسی می‌کنیم: بیان واژه‌های این پاره‌گفتار مرحله کنش بیانی است. مخاطب یا شنونده مطمئن می‌شود که گوینده با او به دانشگاه می‌رود. هدف گوینده نیز همین است. این هدف کنش غیربیانی نامیده می‌شود. مخاطب نیز خود را برای رفتن به دانشگاه آماده می‌کند. این همان تأثیر سخن گوینده بر مخاطب و کنش پس بیانی است. پایه و اساس نظریه آستین کنش غیر بیانی است و در میان سه کنش، تلاش خود را بر کنش غیر بیانی متمرکز کرد. پس از آستین شاگردش جان سرل، در نظریه کنش‌های گفتاری تغییراتی را به وجود آورد.

۵- تقسیمات چندگانه پاره‌گفتار از دیدگاه جان سرل

همان‌طور که پیش‌ازین گفتیم، آستین نقطه آغاز نظریه کنش‌های گفتاری بود، اما جان سرل در سال ۱۹۶۹، با انتشار کتاب «کنش‌های گفتاری^۲» و انجام برخی اصلاحات، تلاش‌های استاد خویش را کامل کرد. سرل تاکنون تلاش‌های خود را ادامه داده است. نظریه وی در پژوهش‌های فلسفی، زبانی و اجتماعی اهمیت بسزایی دارد. این نظریه به شاخه مهمی از نظریه‌های زبانی معاصر تبدیل شده است. نظریه‌های سرل و گرایس زمینه را برای پژوهش‌هایی درباره فلسفه، انسان و علوم مختلف در زمینه معنی و ارتباط فراهم کرده است. (Vanderveken & Kubo: 4: 2001) مهم‌ترین دسته بندی جان سرل در این نظریه، کنش‌های گفتاری پنج‌گانه است که در ذیل به طور مفصل درباره آن سخن می‌گوییم.

الف. کنش‌های گفتاری پنج‌گانه

اما پنج گروه کنش‌های گفتاری بیانی عبارتند از:

۱. **اظهاری^۳:** در این نوع کنش فرد آنچه را که در جهان واقع روی می‌دهد، بیان و نظر خویش را درباره صحت و سقم آن‌ها اعلام می‌کند. به‌عنوان مثال «وقتی شخص الف به شخص

1. Perlocutionary Act

2. Speech Act

3. Representative act

ب اظهار می‌دارد که شخص ج به اپرا رفته است، در حقیقت عقیده‌اش را مبنی بر این که شخص ج به اپرا رفته است، بیان می‌کند». (کلارک، ۱۳۸۰: ۳۴)

۲. **ترغیبی**^۱: گوینده با استفاده از این کنش از شنونده می‌خواهد کاری را انجام دهد. همچنین این کنش گاهی در قالب درخواست‌ها صورت می‌پذیرد.

۳. **تعهدی**^۲: در این کنش گوینده خود را متعهد می‌کند کاری را انجام دهد و بدین منظور گاهی از افعال کنشی مرتبط به قول دادن، سوگند یاد کردن بهره می‌گیرد. زمانی که گوینده برای انجام کاری قول می‌دهد، خود را متعهد به انجام آن کار می‌کند.

۴. **عاطفی**^۳: در این کنش گوینده احساسات خویش را در برابر وقوع رویدادها بیان می‌کند. این کنش بیانگر حالت روحی روانی گوینده است.

۵. **اعلامی**^۴: گوینده با بهره‌گیری از این کنش شرایط جدیدی را به مخاطب اعلام می‌کند. پس از آن که این شرایط اعلام می‌شود، تغییرات خاصی در جهان واقع روی می‌دهد.

ب. کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم

از نظر جان سرل، کنش گفتاری مستقیم، کنشی است که بین معنای ظاهری جمله و مفهوم آن تطابق کامل وجود دارد (عبدالحکیم، ۲۰۰۸: ۴۲۹).

کنش گفتاری غیرمستقیم کنشی است که مفهوم حقیقی آن به مفهوم مجازی منتقل می‌شود؛ مانند استعاره و کنایه، برای نشان دادن معنای غیر بیانی این نوع کنش، نیازمند تأویل و تفسیر هستیم. (همان: ۹۸) آنچه به ما کمک می‌کند کنش غیر بیانی را تشخیص دهیم، بافت سخن و شرایط مخاطب و گوینده است. برای مثال، کنش ظاهری پاره‌گفتار "فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ"، در خطبه شماره ۳۴، عاطفی است، زیرا امام علی (ع) با این پاره‌گفتار کوفیان را هجو می‌کند. هجو کردن هم از فعل‌های کنش عاطفی است؛ بنابراین، کنش مستقیم این کنش گفتاری، عاطفی است. کنش ظاهری و غیر بیانی آن با هم تفاوتی ندارند و هر دو مورد کنش عاطفی را نشان می‌دهند. از این رو، این کنش در زمره کنش‌های مستقیم قرار می‌گیرد.

1. Directive act
2. Commissive act
3. Expressive act
4. Declarative act

نمونه‌ای از کنش‌های غیرمستقیم را در خطبه شماره ۲۷ بررسی می‌کنیم: "وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرًا سَا" ظاهر این پاره‌گفتار، پرسشی را نشان می‌دهد که امام علی (ع) آن را مطرح کرده است. سؤال هم در گروه کنش‌ترغیبی قرار می‌گیرد؛ اما با توجه به بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی این سخن، می‌بینیم امام پیش‌از این پاره‌گفتار، فرموده‌اند: "حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَلَكِنْ لَاعِلِمَ لَهُ بِالْحَرْبِ". تاریخ‌گواه است که در میان عرب، در امور جنگی کسی برتر از شخصیت والای امام علی (ع) نبوده است... امام با بیان این پاره‌گفتار شکایت خود از گفته‌های برخی از افراد از قبیل قریش را بیان می‌کند. در عین حال، به مدح خود می‌پردازد و در این پاره‌گفتار با بیان سؤالی انکاری، بر این موضوع تأکید می‌کند که در امور جنگی، کسی برتر از ایشان نیست. همان‌طور که می‌بینیم، کنش غیربیانی و ظاهری این پاره‌گفتار با یکدیگر تفاوت دارند. کنش غیربیانی آن، عاطفی با فعل مدح یا شکایت کردن است. هر دوی این افعال در زمره کنش‌عاطفی قرار می‌گیرند؛ بنابراین، این پاره‌گفتار در دسته کنش‌های غیرمستقیم قرار می‌گیرد.

ج. کنش‌های گفتاری ساده و پیچیده

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های کنش‌های گفتاری تقسیم آن‌ها به ساده و پیچیده است:

۱. **کنش‌های گفتاری ساده:** گوینده در این کنش‌ها تنها یک مفهوم را قصد می‌کند، و آن معنای ظاهری یا مستقیم آن است. یکی از پاره‌گفتارهای خطبه شماره ۳۴ را به‌عنوان نمونه بررسی می‌کنیم: "لَقَدْ سَمِعْتُ عَتَابَكُمْ"، کنش ظاهری این پاره‌گفتار، عاطفی است. امام علی (ع) ناراحتی خود از رفتارهای مردم در مقابل تجاوزگری‌های دشمن را ابراز می‌کند. فعل مناسب برای این پاره‌گفتار شکایت و تأسف است. کنش غیربیانی این پاره‌گفتار با کنش ظاهری آن تطابق دارد، زیرا امام علی (ع) در پی بیان ناراحتی و شکایت خویش است؛ بنابراین، این پاره‌گفتار در ضمن پاره‌گفتارهای ساده قرار می‌گیرد، زیرا بین کنش ظاهری و کنش بیانی آن تفاوتی وجود ندارد.

۲. **کنش‌های گفتاری پیچیده:** گوینده در این نوع کنش‌های گفتاری، هم معنای ظاهری و هم مفهوم دیگری را قصد می‌کند، که با معنای ظاهری آن تفاوت دارد و از طریق بررسی بافت

کنش گفتاری، به معنای غیر ظاهری آن دست می‌یابیم؛ بنابراین، یک پاره‌گفتار دو یا چند مفهوم دارد. برای درک بهتر این نوع کنش گفتاری، نمونه‌ای از خطبه شماره ۲۵ را بررسی می‌کنیم: **فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ وَ أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي**، در این مثال دو پاره‌گفتار وجود دارد: **"فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ"** و **"وَ أَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي"**. کنش ظاهری یا مستقیم این دو پاره‌گفتار ترغیبی است، زیرا فعل امر در آن‌ها به کار رفته است. فعل امری که در طلب از خداوند استفاده می‌شود، دعا است؛ بنابراین، ظاهر این کنش گفتاری نشان می‌دهد که برای دعا به کار رفته است، اما کنش غیر بیانی آن عاطفی است، زیرا امام به‌طور غیرمستقیم گله و شکایت خود از آن‌ها را بیان می‌کند و همچنین به‌گونه‌ای آن‌ها را نفرین می‌کند. دو فعل شکایت و نفرین کردن از افعال کنش عاطفی هستند. از آنجاکه این پاره‌گفتار دارای چند کنش غیر بیانی است، در زمره پاره‌گفتارهای پیچیده قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که آستین هم به این نوع دسته بندی معتقد بود و جان سرل با اعمال تغییراتی جزئی، از آن بهره برد.

۶- بافت

همان‌طور که پیش‌ازاین گفتیم، موضوع بافت در نوع سوم کاربردشناسی بیشترین اهمیت را داراست. لذا به‌منظور انجام پژوهش از دیدگاه کنش گفتاری بررسی و تحلیل بافت صدور کلام ضروری است. بدین منظور به‌اندازه‌ای که ظرفیت مقاله حاضر اجازه دهد، به معرفی بافت و بررسی آن می‌پردازیم. دانشمندان بافت را به دو گونه تقسیم می‌کنند: بافت درون‌زبانی و برون‌زبانی. از آنجاکه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده پیرامون نهج البلاغه در طول تاریخ به بررسی بافت زبانی پرداخته‌اند، (هرچند لزوماً چنین عنوانی را نداشته‌اند) در این پژوهش بافت زبانی را تا حدودی به کناری نهاد، با مدد جستن از بافت برون‌زبانی که در این پژوهش شامل بافت موقعیتی و اجتماعی می‌باشد به تحلیل کنش‌های گفتاری می‌پردازیم. باید به این نکته اشاره کرد که نمی‌توان به‌طور کامل بافت درون‌زبانی را به کناری نهاد، بلکه تمرکز جستار حاضر بر بافت برون‌زبانی است.

«کاربرد اصطلاح بافت موقعیتی با نام دو دانشمند تداعی می‌شود: مالدینفسکی و ج. ر. فرث. هر دوی این افراد به دو روش متفاوت معنا را در ارتباط با بافتی که زبان در آن به کار می‌رود تعریف کرده‌اند.» (پالمر، ۱۳۹۱: ۷-۸۶)

از آغاز دهه ۱۹۷۰ به بعد، بحث پیرامون بافت موقعیتی در میان افرادی چون سادوک^۱، تحت تأثیر آراء هایمز^۲، که خود متأثر از دیدگاه فرث بود، بالا گرفت. این موضوع در میان افراد مذکور به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین عوامل حاکم بر تحلیل گفتمان مطرح بود. (صفوی، ۱۳۹۲: ۸۱-۸۰)

هایمز به تقلید از فرث مختصات را برای بافت برون‌زبانی در نظر می‌گیرد که در تعبیر معنایی گفتگو دخیل‌اند. وی در این خصوص مقولات گوینده^۳، شنونده^۴، موضوع^۵، موقعیت^۶ زمانی و مکانی، مجرای ارتباطی^۷ و رمزگان، شکل پیام^۸ و رویداد^۹ را مد نظر قرار می‌دهد. البته در بازبینی‌های بعدی، افراد حاضر و شاهد گفتگو^{۱۰}، ابزارهای ارزش‌گذاری^{۱۱} و قصد از گفتگو^{۱۲} را نیز به مختصات مذکور اضافه می‌کند.

۷- بررسی و تحلیل خطبه‌ها

پس از ارائه تعریف‌ها و تقسیم‌های چندگانه کنش‌های گفتاری از دیدگاه آستین و سرل، چند خطبه جنگ را با استفاده از جدول کنش‌های گفتاری تحلیل می‌کنیم.

-
1. J. M. Sadock
 2. D. Hymes
 3. Addressor
 4. Addressee
 5. Topic
 6. Setting
 7. Channel
 8. Message Form
 9. Event
 10. Audience
 11. Key
 12. Purpose

الف. خطبه شماره ۳۴

نوع کنش گفتاری	فعل کنش غیر بیانی	کنش غیر بیانی (غیر مستقیم)	کنش ظاهری (مستقیم)	پاره گفتار
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	عاطفی	أَفَ لَكُمْ
ساده	شکایت و تأسف	عاطفی	عاطفی	لَقَدْ سَمِعْتُ عِتَابَكُمْ
ساده	سرزنش	عاطفی	ترغیبی	أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ عَوَاضًا؟
ساده	سرزنش	عاطفی	ترغیبی	وَبِالذَّلِّ مِنَ الْعِزِّ خَلْفًا؟
ساده	تأسف و سرزنش	عاطفی	عاطفی	إِذَا دَعَوْتَكُمْ إِلَى جِهَادٍ عَدُوِّكُمْ دَارَتْ أَعْيُنَكُمْ
ساده - ساده	تأسف و سرزنش	عاطفی - عاطفی	عاطفی - عاطفی	كَأَنَّكُمْ مِنَ الْمَوْتِ فِي عَمْرَةٍ، وَمِنَ الذُّهُولِ فِي سَكْرَةٍ، (فيها فعلاَن كلاميان)
ساده	تأسف	عاطفی	عاطفی	يُرْتَجُّ عَلَيْكُمْ حَوَارِي فَتَعْمَهُونَ
ساده	تأسف	عاطفی	عاطفی	فَكَأَنَّ قُلُوبَكُمْ مَالُوسَةٌ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	فَأَنْتُمْ لَا تَعْقِلُونَ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	مَا أَنْتُمْ لِي بِثِقَةٍ سَجِيسَ اللَّيَالِي
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	وَمَا أَنْتُمْ بِرُكْنٍ يُمَالُ بِكُمْ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	وَلَا زَوَافِرٍ عِزٌّ يَفْتَقِرُ إِلَيْكُمْ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	مَا أَنْتُمْ إِلَّا كَأَيْلٍ ضَلَّ رِعَاتِهَا
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	فَكُلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ انْتَشَرَتْ مِنْ آخَرَ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	تعهدی - عاطفی	لَيْسَ لَعَمْرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَنْتُمْ

ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	تُكَادُونَ وَلَا تَكِيدُونَ
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَتَنْتَقِصُ اطْرَافَكُمْ فَلَا تَمْتَعْضُونَ
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	لَا يَنَامُ عَنْكُمْ وَأَنْتُمْ فِي عَقْلِهِ سَاهُونَ
پیچیده	تبیین - سرزنش	تعهدی - عاطفی	عاطفی - تعهدی	غَلِبَ وَاللَّهِ الْمُتَخَادِلُونَ
ساده - ساده	تبیین - تأسف و سرزنش	عاطفی - عاطفی	تعهدی - اظهاری - عاطفی	وَأَيُّمُ اللَّهِ إِيَّيْ لَأُظَنُّ بِكُمْ أَنْ لَوْ حَمَسَ الْوَعْيُ، وَأَسْتَحَرَ الْمَوْتَ، قَدْ أَنْفَرَجْتُمْ عَنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنْفِرَاجَ الرَّأْسِ. (دو کنش گفتاری)
پیچیده	تبیین - سرزنش - هشدار	کنش هر کدام: اظهاری، عاطفی - ترغیبی	اظهاری - اظهاری - اظهاری	وَاللَّهِ إِنَّ امْرَأَةً يُمْكِنُ عَدْوُهُ مِنْ نَفْسِهِ يَعْرِقُ لَحْمَهُ، وَيَهْشِمُ عَظْمَهُ، وَيَفْرِي جِلْدَهُ (سه کنش گفتاری)
پیچیده	سرزنش - هشدار	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	لَعَظِيمٌ عَجْزُهُ
پیچیده	سرزنش - هشدار	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری	ضَعِيفٌ مَا ضَمَّتْ عَلَيْهِ جَوَانِحُ صَدْرِهِ
ساده	تأسف و سرزنش	عاطفی	ترغیبی	أَنْتَ فَكُنْ ذَاكَ إِنْ شِئْتَ
پیچیده	قسم - تبیین - مدح	تعهدی - اظهاری - عاطفی	تعهدی - اظهاری	فَأَمَّا أَنَا فَوَاللَّهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ ذَلِكَ ضَرْبٌ بِالْمَشْرِفِيَّةِ
ساده	تبیین - مدح	عاطفی	اظهاری	تَطِيرُ مِنْهُ فَرَّاشُ الْهَامِ
ساده	تبیین - مدح	عاطفی	اظهاری	وَتَطِيحُ السَّوَاعِدُ وَالْأَفْدَامُ
ساده	تبیین	اظهاری	اظهاری	وَيَفْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ ذَلِكَ مَا يَشَاءُ
ساده	تبیین	اظهاری	اظهاری	أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا
ساده	تبیین	اظهاری	اظهاری	وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ

هر کدام: ساده	تبیین	هر کدام: اظهاری	هر کدام: اظهاری	فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَىٰ فَالْصَّيْحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْنُكُمْ عَلَيْكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا (أربعة افعال كلامية)
هر کدام: پیچیده	تبیین - سرزنش - نصیحت	هر کدام: اظهاری - عاطفی - ترغیبی	هر کدام اظهاری	وَ أَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالصَّيْحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ. وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةَ حِينَ أَمُرُكُمْ (چهار کنش گفتاری)

همان‌طور که می‌بینید جدول به پنج بخش تقسیم شده است. بخش اول حاوی پاره‌گفتارهاست. کنش ظاهری یا مستقیم در ستون دوم جدول آمده است. کنش ظاهری تنها با توجه به خود کنش گفتاری و بدون در نظر گرفتن بافت کلام تعیین می‌شود. (پیش‌ازاین، درباره تعیین کنش ظاهری و غیر ظاهری به طور مفصل توضیح دادیم). سومین ستون به کنش غیر بیانی اختصاص دارد. چهارمین ستون، دربردارنده فعل کنش غیر بیانی است. همان‌طور که پیش‌ازاین بیان کردیم، هر یک از کنش‌های غیر بیانی دربردارنده افعال خاصی هستند. برای مثال، فعل‌هایی مانند شکر کردن، خشمگین شدن، تبریک گفتن و اهانت کردن افعال کنش عاطفی هستند. در واقع، برای تشخیص کنش غیر بیانی از فعل‌های آن استفاده می‌کنیم. برای تعیین فعل کنش غیر بیانی، بافت کلامی و غیر کلامی از اهمیت زیادی برخوردار هستند. گاهی، یک کنش گفتاری دو فعل دارد و هر دو به یک کنش غیر بیانی اختصاص دارند. در پنجمین ستون این جدول، نوع کنش گفتاری از حیث سادگی و پیچیدگی مشخص می‌شود.

برای نمونه برخی از کنش‌های گفتاری را بررسی می‌کنیم، تا نحوه تعیین کنش‌های غیر بیانی مشخص شود. کنش ظاهری برخی از کنش‌های گفتاری تنها یک کنش و در نتیجه ساده است. همان‌طور که در کنش گفتاری مانند "لَقَدْ سَمِعْتُ عَتَابَكُمْ"، می‌بینیم. کنش ظاهری این کنش گفتاری که از ظاهر آن درک می‌شود، عاطفی است، زیرا امام علی (ع) از مردم به علت عدم انجام وظایف جنگی خود در قبال شامیان، گله و شکایت می‌کند. در این عبارت، کنش ظاهری و کنش غیر بیانی با یکدیگر مطابقت می‌کنند. کنش غیر بیانی همان قصد گوینده است که با توجه به بافت سخن درک می‌شود. امیرالمؤمنین علی (ع) از کوفیان گله می‌کند و خستگی

خود از سرزنش مردمانی بیان می‌کند که سرزنش نیز در طول جنگ‌های متعدد شامیان علیه سرزمین مسلمانان، بر آن‌ها تأثیری نگذاشته است. هر کنش گفتاری در بردارنده یک فعل خاص است که در ستون چهارم جدول قرار گرفته است و این فعل ما را به سمت کنش غیر بیانی هر کنش گفتاری رهنمون می‌شود. فعل ویژه این کنش گفتاری گله و شکایت است. شکایت در بخش عاطفی قرار می‌گیرد.

برخی از پاره‌گفتارها در بردارنده چندین کنش ظاهری و غیرمستقیم هستند، مانند "لَبِئْسَ لَعْمَرُ اللَّهِ سَعْرُ نَارِ الْحَرْبِ أَتُمْ". این کنش گفتاری حاوی یک سوگند است. سوگند نیز در زمره کنش تعهدی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، ظاهر این کنش گفتاری بر عاطفی بودن آن دلالت می‌کند، زیرا گوینده از مخاطب شکایت می‌کند و یا او را هجو می‌کند. کنش ظاهری این عبارت کنش‌های عاطفی و تعهدی است؛ اما با بررسی این کنش گفتاری درمی‌یابیم که امام علی (ع) با بهره‌گیری از سوگند، در پی بیان تعهد به چیزی نیست. از این رو، کنش غیر بیانی آن، تعهدی نیست و این کنش گفتاری از حیث کنش ظاهری و غیر بیانی اختلاف دارد. این موضوع در پاره‌گفتار "غَلِبَ وَاللَّهِ الْمَتَخَاذِلُونَ" متفاوت است. امیرالمؤمنین (ع) در این عبارت از خطبه خویش، از سوگند بهره گرفته است و کنش ظاهری آن تعهدی است و در عین حال، از گله و شکایت خود نسبت به کوفیان نیز بهره می‌گیرد؛ بنابراین، کنش ظاهری آن، تعهدی و عاطفی است. درباره تعیین کنش غیر بیانی باید بگوییم امام علی (ع) درباره وقوع رویدادی مهم یعنی پیروزی شامیان بر کوفیان، از سوگند استفاده می‌کند. بنابراین، کنش غیر بیانی نیز مانند کنش ظاهری است که دو کنش عاطفی و تعهدی را نشان می‌دهد.

از دیگر نمونه‌های کنش‌های گفتاری مهم این خطبه، پاره‌گفتار "فَأَمَّا أَنَا فَوَاللَّهِ دُونَ أَنْ أُعْطِيَ ذَلِكَ ضَرْبٌ بِالْمَشْرِفِيَّةِ" است. ذکر نکته‌ای در این زمینه شایسته است. برخی از پژوهش‌گران در ایران زمین حرف "ف" را به‌عنوان یک کنش گفتاری در نظر می‌گیرند؛ اما با توجه به آنچه در کتب کاربردشناسی عربی آمده است، حروفی مانند "ف، بل، لکن، حتی، إن، ألا و..." ادوات زبانی و تأکید هستند. (ابن ظافر الشهري، ۲۰۰۴: ۵۰۸)

ظاهر این پاره‌گفتار، بیانگر سلوک و رفتار امیرالمؤمنین علی (ع) در جنگ‌ها و همچنین یک سوگند است. بنابراین، کنش ظاهری این عبارت، دو کنش اظهاری و تعهدی است. برای تعیین

کنش غیر بیانی باید به این نکته توجه داشته باشیم که امام علی (ع) از نحوه رویارو شدن خود با دشمنان در جنگ‌ها سخن می‌گوید؛ بنابراین، فعل این کنش، تبیین و کنش غیر بیانی آن اظهاری است. همچنین امام علی (ع) در سخن از رفتار خود در جنگ‌ها، برای بیان قدرت و توانمندی خود از قسم بهره می‌گیرد. فعل این کنش سوگند خوردن است. از این رو، یکی از کنش‌های غیر بیانی این کنش گفتاری، تعهدی است. از سوی دیگر، امیرالمؤمنین علی (ع) با مقایسه کردن خود با مخاطبان که در کنش‌های گفتاری پیشین از آن‌ها سخن گفته است، خود را مدح می‌کند. فعل مدح کردن نیز از افعال کنش عاطفی است؛ بنابراین، کنش عاطفی از دیگر کنش‌های غیر بیانی این کنش گفتاری است. بدین ترتیب، این پاره‌گفتار دارای سه کنش غیر بیانی است: اظهاری، تعهدی و عاطفی.

عبارت "فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَىٰ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْ مَا تَعْلَمُوا"، دارای چهار پاره‌گفتار است. امام علی (ع) در این کنش‌ها از حق مردم بر خود سخن می‌گوید و آن‌ها را به وظایف خود به‌عنوان امام و رهبر آگاه می‌کند. بر این اساس، فعل تبیین نشان می‌دهد که کنش ظاهری این کنش‌ها اظهاری است؛ اما از حیث تطابق کنش ظاهری و غیر بیانی، به نظر می‌رسد امام علی (ع) در پی بیان چیزی غیر از ظاهر کنش‌های گفتاری نیست و کنش غیر بیانی آن‌ها نیز اظهاری است.

پاره‌گفتارهای آتی، یعنی "وَأَمَّا حَقِّي عَلَيْكُمْ فَأَلَوْفَاءُ بِالْبَيْعَةِ، وَالنَّصِيحَةُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ. وَالْإِجَابَةُ حِينَ أَدْعُوكُمْ، وَالطَّاعَةُ حِينَ أَمُرُكُمْ"، نیز شامل چهار پاره‌گفتار است که امام علی (ع) در آن‌ها از حق خود بر مردم سخن می‌گوید. ظاهر سخن حاکی از بیان حق امام بر مخاطبان است، زیرا امام آن‌ها را از انواع حقوق خود بر مردم آگاه می‌کند؛ بنابراین، فعل تبیین و کنش اظهاری از ویژگی‌های این چهار پاره‌گفتار است؛ اما کنش غیر بیانی، امام در مرحله نخست حق خود را بر مردم بیان می‌کند و آن‌ها را از وظایف خود آگاه می‌کند. از این رو، فعل تبیین نشان دهنده کنش اظهاری به‌عنوان نخستین کنش غیر بیانی این پاره‌گفتارها است. در مرحله دوم، آن‌ها را به علت عدم اطاعت از امام خود و بی‌وفایی به بیعت خود با امیرالمؤمنین علی (ع) سرزنش می‌کند. فعل سرزنش نشان از وجود کنش غیر بیانی عاطفی است. در مرحله سوم، امام مردم را راهنمایی می‌کند و آن‌ها را به سمت انجام وظیفه خویش هدایت می‌کند. با

توجه به این توضیح، فعل نصیحت کردن نشان دهنده وجود کنش غیر بیانی ترغیبی است. اگر شدت این سخن را فراتر از آنچه گفتیم بدانیم و به جای توصیه، بدان به منزله امر و دستوری از جانب امام بنگریم، در این حالت نیز فعل دستور دادن بیانگر کنش ترغیبی است و تنها اختلاف آن، فعل کنش‌گفتاری یعنی توصیه کردن یا دستور دادن است. با توجه به آنچه گفتیم، هر یک از پاره‌گفتارهای چهارگانه مذکور دارای چند کنش غیر بیانی هستند: کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی به ترتیب با افعال تبیین، سرزنش و توصیه کردن.

ب. خطبه شماره ۲۷

پاره‌گفتار	کنش ظاهری (مستقیم)	کنش غیر بیانی (غیرمستقیم)	فعل کنش غیر بیانی	نوع کنش گفتاری
أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ،	اظهاری	اظهاری - ترغیبی	نصیحت	پیچیده
فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ	اظهاری	اظهاری - ترغیبی	نصیحت	پیچیده
وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى	اظهاری	اظهاری - ترغیبی	نصیحت	پیچیده
وَدَرَعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ	اظهاری	اظهاری - ترغیبی	نصیحت	پیچیده
وَجَنَّتُهُ الْوَيْقَةُ	اظهاری	اظهاری - ترغیبی	نصیحت	پیچیده
فَمَنْ تَرَكَ رَعِيَّةً عَنْهُ أَسَسَهُ اللَّهُ تَوْبَ الذَّلِّ وَشَمَلَةَ الْبَلَاءِ	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده
وَدَيْتَ بِالصَّغَارِ وَالْقَمَاءِ	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده
وَضْرِبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالْإِسْهَابِ	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده
وَأَدْبَلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده
وَسِيمَ الْخَسْفِ	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده
وَمَنْعَ النَّصْفِ.	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	پیچیده

ساده	سرزنش	عاطفی	اظهاری	أَلَا وَأَيُّ قَدِّ دَعَوْتِكُمْ إِلَى قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لِبِلَاءٍ وَنَهَارًا، وَسِرًّا، وَإِعْلَانًا
ساده	سرزنش	عاطفی	ترغیبی	وَقُلْتُ لَكُمْ: اغْزَوْهُمْ قَبْلَ أَنْ يَغْزَوْكُمْ
پیچیده	تبیین - سرزنش - هشدار	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری - تعهدی	فَوَاللَّهِ مَا غَزَى قَوْمَهُمْ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ إِلَّا دَلُّوا
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	فَتَوَاكَلْتُمْ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	وَتَخَادَتُمْ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	حَتَّى شَتَّتْ عَلَيْكُمُ الْغَارَاتُ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	وَمَلَكَتْ عَلَيْكُمُ الْأُطْطَانَ
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَهَذَا أَخُو غَامِدٍ وَقَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْأَنْبَارَ
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَقَدْ قَتَلَ حَسَّانَ بْنَ حَسَّانَ الْبَكْرِيَّ
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَأَزَالَ خَيْلَكُمْ عَنْ مَسَالِحِهَا
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَلَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْأُخْرَى
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	فَيَتَزَعُ حِجْلَهَا وَقُلْبَهَا وَقَلَانِدَهَا وَرِعَائِهَا
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	مَا تَمْتَنِعُ مِنْهُ إِلَّا بِالْأَسْتِرْجَاعِ وَالْأَسْتِرْحَامِ
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	ثُمَّ أَنْصَرَفُوا وَافْرِينَ
پیچیده	تبیین - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	مَا نَالَ رَجُلًا مِنْهُمْ كَلِمٌ

پیچیده	تبيين - تأسف و سرزنش	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَلَا أُرِيقَ لَهُمْ دَمٌ
پیچیده	سرزنش - نصیحت	عاطفی - ترغیبی	اظهاری	فَلَوْ أَنَّ امْرَأَةً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسْفًا مَا كَانَ بِهِ مَلُومًا
پیچیده	سرزنش - نصیحت	عاطفی - ترغیبی	اظهاری	بَلْ كَاتِبِهِ عِنْدِي جَدِيرًا
ساده	تعجب - سرزنش	عاطفی	عاطفی	فَيَا عَجَبًا عَجَبًا!
ساده - ساده	سرزنش و تأسف - سرزنش و تأسف	عاطفی - عاطفی	تعهدی - تعهدی	وَاللَّهِ يُمِيتُ الْقُلُوبَ، وَيَجْلِبُ إِلَيْهِمْ أَجْتِمَاعُ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ، وَتَفَرَّقَكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ (دو کنش‌گفتاری)
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	عاطفی	فَقُبْحًا لَكُمْ وَتَرَحًّا حِينَ صِرْتُمْ عَرَضًا يَرْمِي
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	يُعَارُ عَلَيْكُمْ وَلَا تُعَيَّرُونَ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	وَتُعْزُونَ وَلَا تُعْزُونَ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری	وَيُعْصِي اللَّهُ وَتَرْضُونَ
ساده	سرزنش	عاطفی	اظهاری	فَإِذَا أَمَرْتُمْكُمُ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي أَيَّامِ الْحَرِّ قُلْتُمْ: هَذِهِ حَمَارَةٌ الْقَيْظِ، أَمَهَلْنَا يَسِيحُ عَنَّا الْحَرُّ
ساده	سرزنش	عاطفی	اظهاری	وَإِذَا أَمَرْتُمْكُمُ بِالسَّيْرِ إِلَيْهِمْ فِي الشِّتَاءِ قُلْتُمْ: هَذِهِ صَبَارَةٌ الْقُرِّ، أَمَهَلْنَا يَنْسَلِخُ عَنَّا الْبَرْدُ
ساده	سرزنش	عاطفی	اظهاری	كُلُّ هَذَا فِرَارًا مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ
ساده	سرزنش و هجو	عاطفی	اظهاری - تعهدی	فَإِذَا كُنْتُمْ مِنَ الْحَرِّ وَالْقُرِّ تَفْرُونَ فَأَنْتُمْ وَاللَّهِ مِنَ السَّيْفِ أَفْرُ
ساده	هجو	عاطفی	اظهاری	يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَلَا رِجَالِ،
ساده	هجو	عاطفی	اظهاری	حُلُومِ الْأَطْفَالِ
ساده	هجو	عاطفی	اظهاری	وَعُقُولِ رَبَّاتِ الْحِجَالِ

ساده - ساده	تأسف- هجو تأسف- هجو	عاطفی - عاطفی	عاطفی - عاطفی	لَوَدِدْتُ أُنِّي لَمْ أُرَكِّمْ وَكَمْ أَعْرِفُكُمْ (الفعلان الكلاميان)
ساده	تأسف- هجو	عاطفی	اظهاری - تعهدی	مَعْرِفَةٌ وَاللَّهِ جَرَّتْ نَدْمًا
ساده	تأسف و سرزنش	عاطفی	اظهاری	وَأَعْقَبْتُ سَدَمًا
ساده	هجو و نفرین	عاطفی	اظهاری	قَاتَلَكُمْ اللَّهُ
ساده	سرزنش و تأسف	عاطفی	عاطفی	لَقَدْ مَلَأْتُمْ قُلُوبِي قَيْحًا
ساده	سرزنش و تأسف	عاطفی	عاطفی	وَشَحَحْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا
ساده	سرزنش و تأسف	عاطفی	عاطفی	وَجَرَّعْتُمُونِي نُعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا
ساده	سرزنش و تأسف	عاطفی	عاطفی	وَأَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعَصِيانِ وَالْخِذْلَانِ
پیچیده	تبیین- تأسف و شکایت	اظهاری - عاطفی	اظهاری	حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ: إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شَجَاعٌ وَلَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ
ساده	هجو و شکایت	عاطفی	عاطفی	لِلَّهِ أَبُوهُمْ
پیچیده	مدح و شکایت- سؤال	عاطفی - ترغیبی	ترغیبی	وَهَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا
پیچیده	مدح و شکایت- سؤال	عاطفی - ترغیبی	ترغیبی	وَأَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي؟
پیچیده	تبیین- مدح	اظهاری - عاطفی	اظهاری	لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَمَا بَلَغْتُ الْعَشْرِينَ
پیچیده	تبیین- مدح	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَهَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السَّيْنِ
ساده	تأسف	عاطفی	اظهاری	وَلَكِنْ لَأَرَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ

در بررسی کنش‌های گفتاری خطبه شماره ۲۷ نهج‌البلاغه، برخی از پاره‌گفتارها را انتخاب کرده‌ایم که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم: اگر به ظاهر پاره‌گفتار "وَدَرِعُ اللّٰهُ الْحَ صِيْنَةَ" بنگریم، درمی‌یابیم که این کنش از جهاد و ویژگی‌های مثبت آن خبر می‌دهد. خبر دادن از چیزی نشان دهنده کنش اظهاری است. پس کنش ظاهری آن، اظهاری است؛ اما با توجه به بافت سخن درمی‌یابیم که کنش غیر بیانی آن متفاوت است. امام علی (ع) از جنگ سخن می‌گوید و در پی تشویق و ترغیب مردم برای مشارکت در جهاد است و می‌خواهد به مردم توصیه کند که در دفاع از وطن شرکت کنند. از این رو، کنش غیر بیانی این پاره‌گفتار، اظهاری و ترغیبی است؛ یعنی از یک سو، از ویژگی‌های مثبت جهاد سخن می‌گوید و از سوی دیگر، مردم را ترغیب به این کار می‌کند. پاره‌گفتار "وَ هَذَا اٰخُو غَامِدٍ وَ قَدْ وَرَدَتْ خَيْلُهُ الْاَنْبَارَ"، نیز حالت مشابهی دارد. امام علی (ع) در این پاره‌گفتار ظاهراً خبر ورود اخو غامد به شهر الانبار را بیان می‌کند. پس با توجه به این که اخباری درباره جنگ را بیان می‌کند، کنش ظاهری آن، اظهاری است؛ اما در حقیقت امام با شنیدن این خبر و ورود دشمن به سرزمین مسلمانان بسیار متأسف می‌شود. از سوی دیگر، در پی سرزنش کوفیان به علت عدم مشارکت در جنگ است. از این رو، کنش‌های غیر بیانی این پاره‌گفتار شامل اظهاری با فعل تبیین، عاطفی با فعل سرزنش کردن و متأسف شدن است، زیرا امام هم کوفیان را سرزنش می‌کند و هم به علت اطاعت نکردن آن‌ها از دستورات امام و رهبر خویش متأسف و اندوهگین می‌شود.

برای پی بردن به کنش ظاهری و غیر بیانی پاره‌گفتار "فَوَاللّٰهِ مَا غَزِيَّ قَوْمٌ قَطُّ فِي عُمْرِ دَارِهِمْ اِلَّا ذَلُّوا"، در ابتدا به ظاهر آن می‌نگریم. امام علی (ع) شرایط ذلت و خواری مردم را بیان می‌کند. از این رو، فعل تبیین بیانگر کنش ظاهری اظهاری است. در عین حال در این پاره‌گفتار از قسم نیز استفاده شده است؛ بنابراین کنش تعهدی نیز از دیگر کنش‌های ظاهری این پاره‌گفتار است. با دقت در مفهوم این پاره‌گفتار و مقصود امام از این عبارت، درمی‌یابیم که ایشان در پی سرزنش کوفیان به علت ورود دشمن به سرزمین آن‌ها است. در عین حال به آن‌ها هشدار می‌دهد که به سبب این حادثه، خوار و ذلیل خواهند شد. پس به وجود کنش‌های غیر بیانی اظهاری، عاطفی و ترغیبی با فعل‌های تبیین، سرزنش کردن و هشدار دادن پی می‌بریم.

ظاهر پاره گفتار "فَلَوْ أَنَّ امْرَأً مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهٍ مَلُومًا"، بیانگر وظیفه مسلمان در قبال هجوم دشمنان است، اما امام علی (ع) در پی تبیین وظیفه مسلمانان نیست، بلکه با این سخن مردم کوفه را سرزنش و تأکید می‌کند عدم مشارکت در جهاد به نتایج بسیار بدی می‌تواند بیانجامد و اگر مسلمان از شنیدن این اخبار بمیرد، بر او سرزنشی نیست. افزون بر آن، ایشان مردم را به شکل غیرمستقیم به مشارکت در جنگ توصیه می‌کند. بنابراین، کنش‌های غیر بیانی این عبارت شامل عاطفی و ترغیبی با فعل‌های سرزنش و توصیه کردن است. بدین ترتیب، این پاره گفتار از کنش‌های گفتاری پیچیده محسوب می‌شود، زیرا بر چند کنش غیر بیانی دلالت می‌کند. از سوی دیگر، این پاره گفتار نیز از نوع غیر مستقیم است، زیرا کنش غیر بیانی و کنش ظاهری آن با یکدیگر مطابقت نمی‌کند و تفاوت دارد.

ج. خطبه شماره ۲۵

پاره گفتار	کنش ظاهری (مستقیم)	کنش غیر بیانی (غیر مستقیم)	فعل کنش غیر بیانی	نوع کنش گفتاری
مَا هِيَ إِلَّا الْكُوفَةُ أَقْبَضُهَا وَ أَبْسَطُهَا	اظهاری	عاطفی	تأسف و شکایت	ساده
إِنْ لَمْ تَكُونِي إِلَّا أَنْتِ تَهَبُ أَعاصيرِكِ، فَتَبْحِكُ اللَّهُ	عاطفی	عاطفی	تأسف و شکایت	ساده
لَعَمْرُ أَبِيكَ الْخَيْرِ يَا عَمْرُو إِنَّنِي *** عَلَى وَضْرٍ مِنْ ذَا الْإِنَاءِ قَلِيلٍ (دو کنش گفتاری)	اظهاری - اظهاری	اظهاری - عاطفی	قسم - تأسف و شکایت	ساده - ساده
أَنْبِئْتُ بَسْرًا قَدْ أَطَّلَعَ الْيَمَنَ،	اظهاری	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	تبیین - سرزنش - هشدار	پیچیده
وَإِنِّي وَاللَّهِ لِأَطْنُّ أَنْ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدَالُونَ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَيَّ بَاطِلِهِمْ، وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنِّ حَقِّكُمْ (دو کنش گفتاری)	اظهاری - عاطفی - تعهدی	کنش هر کدام: اظهاری - عاطفی - ترغیبی	سرزنش - هشدار	هر کدام: پیچیده

هر کدام: پیچیده	سرزنش - هشدار	کنش هر کدام: اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	وَبِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ، وَطَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ، (دو کنش گفتاری)
هر کدام: پیچیده	سرزنش - هشدار	کنش هر کدام: اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	بِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَخِيَانَتِكُمْ (دو کنش گفتاری)
هر کدام: پیچیده	سرزنش - هشدار	کنش هر کدام: اظهاری - عاطفی - ترغیبی	اظهاری - عاطفی - ترغیبی	وَبِصَلَاحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَفَسَادِكُمْ (دو کنش گفتاری)
ساده	شکایت	عاطفی	عاطفی	اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَّيْتُهُمْ وَمَلُونِي
ساده	شکایت	عاطفی	عاطفی	وَسَمَّيْتُهُمْ وَسَمَّوْنِي
پیچیده	سرزنش - نفرین	عاطفی - ترغیبی	عاطفی - ترغیبی	فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ
پیچیده	سرزنش - نفرین	عاطفی - ترغیبی	عاطفی - ترغیبی	وَأَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي
پیچیده	سرزنش - نفرین	عاطفی - ترغیبی	عاطفی - ترغیبی	اللَّهُمَّ مَثْ قُلُوبَهُمْ كَمَا يَمِاثُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	تعهدی - عاطفی	أَمَا وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنْ لِي بِكُمْ أَلْفَ فَارِسٍ مِنْ بَنِي فِرَاسِ بْنِ عَنَمٍ
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	اظهاری	هُنَالِكَ لَوْ دَعَوْتُ أَتَاكَ مِنْهُمْ *** فَوَارِسٌ مِثْلُ أُرْمِيَةِ الْحَمِيمِ

در بررسی این خطبه، برخی از پاره‌گفتارهای مهم را انتخاب کرده‌ایم که در ذیل آن‌ها را بررسی می‌کنیم: پاره‌گفتار "مَا هِيَ إِلَّا الْكُوفَةُ أَقْبَضُهَا وَابْسُطُهَا"، اولین پاره‌گفتار خطبه است که ظاهر آن، خبری درباره کوفه می‌دهد و کنش ظاهری آن اظهاری است؛ اما با توجه به بافت این خطبه درمی‌یابیم که امام علی (ع) از تأسف و حزن خود درباره کوفه می‌فرماید. فعل‌های این پاره‌گفتار تأسف و شکایت است. پیش‌ازین گفتیم گاهی برای یک کنش گفتاری دو یا چند فعل در نظر گرفته می‌شود. در اینجا از یک سو امام گله و شکایت خود را به علت نافرمانی

مردم در اطاعت امر مولای خویش بیان می‌کند و از سوی دیگر، از سستی و کاهلی کوفیان ابراز تأسف می‌کند. در هر دو صورت کنش غیر بیانی این پاره‌گفتار تفاوتی ندارد، زیرا فعل‌های متأسف شدن و شکایت کردن به یک کنش غیر بیانی یعنی عاطفی اختصاص دارند.

برخی از پاره‌گفتارها برای بیان خبر و آگاهی دادن درباره چیزی بیان می‌شوند و ظاهر پاره‌گفتار تنها از آگاهی دادن و تبیین یک موضوع حکایت می‌کند، مانند: مثل "أَنْبِئْتُ بِسُرٍّ قَدْ اطَّلَعَ الْيَمَنَ"، کنش ظاهری این عبارت اظهاری است؛ اما امام علی (ع) این عبارت را در برابر قومی بیان کرده است که به فرامین وی عمل نکردند و برای جنگ با دشمن و دفاع از وطن آماده نشدند. چنین بافتی موجب می‌شود کنش‌های غیر بیانی دیگری برای این کنش گفتاری در نظر بگیریم. به عبارتی دیگر، گوینده افزون بر خبر دادن درباره این موضوع که بسر به یمن حمله کرده است، در پی سرزنش مردم به علت بی توجهی به دستور امام و رهبر خود است. از سوی دیگر، به آن‌ها درباره حملات آینده شامیان به سرزمین مسلمین نیز هشدار می‌دهد. فعل سرزنش کردن از گروه کنش عاطفی و فعل هشدار دادن از گروه کنش ترغیبی است؛ بنابراین، این پاره‌گفتار با سه کنش غیر بیانی اظهاری، عاطفی و ترغیبی بیان شده است.

عبارت "بِأَدَائِهِمُ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِهِمْ وَ خِيَانَتِكُمْ" شامل دو پاره‌گفتار است. با توجه به کنش‌های گفتاری پیشین، کنش‌های غیر بیانی آن‌ها نیز روشن می‌شود. از علل این موضوع ادای امانت به صاحب آن است، یعنی شامیان به امانت خود در قبال معاویه خیانت نمی‌کنند؛ اما کوفیان که تحت امر امیرالمؤمنین علی (ع) هستند چنین اقدامی را مرتکب می‌شوند. امام (ع) علت‌های پیروزی شامیان در آینده را بیان می‌فرماید، همان چنان‌که از رفتار کوفیان گله و شکایت می‌کند و به آن‌ها هشدار می‌دهد تا رویکرد خود را تغییر دهند و در گردابی نیفتند که امکان برون‌رفت از آن وجود ندارد؛ بنابراین، کنش ظاهری این دو کنش، اظهاری، عاطفی و تعهدی با افعال تبیین، سرزنش و هشدار است. ظاهر این دو عبارت تا حدودی با کنش‌های غیر بیانی آن‌ها مطابقت می‌کند، تنها تفاوت این است که کنش اظهاری از کنش‌های غیر بیانی این دو پاره‌گفتار نیست، زیرا امام در پی آگاهی دادن کوفیان درباره این موضوع نیست بلکه از یک سو آن‌ها را سرزنش و از سوی دیگر به آن‌ها هشدار می‌دهد تا شاید از خواب‌سنگین خود بیدار شده و اقدامی انجام دهند.

امام علی (ع) در پاره‌گفتارهای پایانی خطبه از احساس خود نسبت به کوفیان و اعمال آن‌ها می‌گوید و خداوند را مخاطب قرار می‌دهد: "اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ مَلَلْتَهُمْ وَ مَلُونِي"، "وَسَأَلْتَهُمْ وَ سَأَلْتُمُونِي" ظاهر این پاره‌گفتار با کنش غیر بیانی آن‌ها تفاوتی ندارد و کنش ظاهری و کنش غیر بیانی این دو کنش، عاطفی است، زیرا هم ظاهر و هم مقصود سخن نشان از گله و شکایت امام از رفتار کوفیان دارد.

در پاره‌گفتارهای "فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ"، "وَأَبْدَلَهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي"، "اللَّهُمَّ مَثْ قُلُوبَهُمْ كَمَا يُمَاتُ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ"، امام از خداوند می‌خواهد این مردم را با مردمی به از آن‌ها جایگزین کند. ایشان همچنین از خداوند می‌خواهد آن‌ها را دچار رهبری بد کند. دعا نیز از گروه کنش ترغیبی است. ظاهر سخن از دعای امام حکایت دارد و کنش ظاهری آن ترغیبی است. گله و شکایت امام از مردم موضوعی است که در این کنش‌های گفتاری پنهان نیست. از این رو، کنش‌های ترغیبی و عاطفی کنش‌های ظاهری این عبارات هستند. درعین حال، کنش‌های غیر بیانی این عبارات نیز ترغیبی و عاطفی است، زیرا تفاوتی میان ظاهر و مقصود سخن وجود ندارد.

ویژگی منحصربه‌فرد این خطبه در میان خطبه‌های بررسی شده آن است که کنش غیر بیانی عاطفی از هیچ‌یک از پاره‌گفتارها جدا نمی‌شود. کنش عاطفی کنشی است که برای بیان حالات روحی استفاده می‌شود. بافت خطبه بدین گونه است که آن‌قدر کوفیان در اطاعت از مولای خویش آن‌قدر کاهلی و سستی کردند، که حضرت از خداوند خواست قومی بهتر را جایگزین آن‌ها کند و رهبری بد را نصیب آن‌ها بگرداند.

د. خطبه شماره ۱۷۹

پاره‌گفتار	کنش ظاهری (مستقیم)	کنش غیر بیانی (غیر مستقیم)	فعل کنش غیر بیانی	نوع کنش گفتاری
أَحْمَدُ اللَّهِ عَلَى مَا قَضَى مِنْ أَمْرٍ، وَقَدَّرَ مِنْ فِعْلٍ (دو کنش گفتاری)	اظهاری	هر کدام: اظهاری - عاطفی	بیان حمد خداوند - شکر	پیچیده

پیچیده	شکر خداوند - شکایت از مردم	عاطفی - عاطفی	اظهاری	وَعَلَىٰ اِبْتِلَائِي بِكُمْ
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	أَيُّهَا الْفَرَقَةُ الَّتِي إِذَا أَمَرْتُ لَمْ تُطِيعْ،
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَإِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	إِنْ أُمَهَلْتُمْ خُضْتُمْ،
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَإِنْ حُورِبْتُمْ خُرْتُمْ،
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَإِنْ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيَّ إِمَامًا طَعَنْتُمْ
ساده	سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَإِنْ أُجِنْتُمْ إِلَيَّ مَشَافَهَةً نَكَصْتُمْ.
ساده	هجو	عاطفی	عاطفی	لَا أَبَا لِعَبْرِكُمْ،
ساده	سرزنش - هشدار	ترغیبی	ترغیبی	مَا تَنْتَظِرُونَ بِبَصْرِكُمْ وَالْجِهَادِ عَلَيَّ حَفِّكُمْ؟
ساده	سرزنش - هشدار	ترغیبی	ترغیبی	الْمَوْتِ أَوْ الدَّلِّ لَكُمْ؟!!
ساده - ساده	تبیین	تعهدی - اظهاری	تعهدی - اظهاری	فَوَاللَّهِ لَنْ يَجَاءَ يَوْمِي - وَلِيَأْتِيَنِي - لِيُفَرِّقَنِي بَيْنَكُمْ (دو کنش گفتاری)
ساده	هجو	عاطفی	عاطفی	وَأَنَا لَصَحْبَتِكُمْ قَال،
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	عاطفی	وَبِكُمْ غَيْرُ كَثِيرٍ.
ساده	تعجب	عاطفی	عاطفی	لِلَّهِ أَنْتُمْ،
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	ترغیبی	أَمَا دِينَ يَجْمَعُكُمْ؟
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	ترغیبی	وَلَا حَمِيَّةَ تَسْحَدُكُمْ؟
ساده	شکایت و سرزنش	عاطفی	ترغیبی	أَوْ لَيْسَ عَجَبًا أَنْ مُعَاوِيَةَ يَدْعُو الْجُفَاءَ الطَّغَامَ فَيَتَّبِعُونَهُ عَلَىٰ غَيْرِ مَعُونَةٍ وَلَا عَطَاءٍ،
ساده - ساده	شکایت - سرزنش	عاطفی - ترغیبی	ترغیبی - اظهاری	وَأَنَا أَدْعُوكُمْ - وَأَنْتُمْ تَرِيكُهُ الْإِسْلَامَ وَبَقِيَّةَ النَّاسِ - إِلَيَّ الْمَعُونَةَ وَطَائِفَةَ مِنَ الْعَطَاءِ فَتَفَرِّقُونَ عَنِّي (دو کنش گفتاری)
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	عاطفی	إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ إِلَيْكُمْ مِنْ أَمْرِي رِضَىٰ فَتَرِضُونَهُ،
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	عاطفی	وَلَا سَخَطٌ فَتَجْتَمِعُونَ عَلَيْهِ.

ساده	شکایت	عاطفی	اظهاری	وَإِنَّ أَحَبَّ مَا أَنَالِقُ إِلَى الْمَوْتِ.
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	اظهاری	قَدْ دَارَسْتُكُمْ الْكِتَابَ،
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	اظهاری	وَفَاتَحْتُكُمْ الْحِجَابَ،
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	اظهاری	وَعَرَفْتَكُمْ مَا أَنْكَرْتُمْ،
ساده	تأسف و شکایت	عاطفی	اظهاری	وَسَوَّغْتُكُمْ مَا مَجَّجْتُمْ،
ساده	امیدواری	عاطفی	عاطفی	لَوْ كَانَ الْأَعْمَى يَلْحَظُ،
ساده	امیدواری	عاطفی	عاطفی	أَوْ النَّائِمُ يَسْتَيْقِظُ.
ساده - ساده	تبیین - هجو	اظهاری - عاطفی	اظهاری	وَأَقْرَبُ بَقَوْمٍ مِنَ الْجَهْلِ بِاللَّهِ قَانِدُهُمْ مُعَاوِيَةُ، وَ مُؤَدَّبُهُمْ ابْنُ النَّبِغَةِ!

ظاهر پاره‌گفتارهای ابتدایی این خطبه، یعنی "أَحْمَدُ اللَّهِ عَلَى مَا قَضَى مِنْ أَمْرٍ، وَقَدَّرَ مِنْ فِعْلٍ"، حاکی از حمد و سپاس گوینده به خاطر تقدیر و قضای الهی است و کنش ظاهری این دو پاره‌گفتار، اظهاری است. از حیث کنش غیر بیانی نیز امام علی (ع) خداوند را سپاس می‌گوید و او را به خاطر آنچه در زندگی خود پیش آمده شکرگزاری می‌کند. با توجه به سخن امام خطاب به خداوند باری تعالی، مقصود از این سخن حمد و شکر خداوند است. فعل‌های حمد و شکر ما را به کنش غیر بیانی این دو پاره‌گفتار می‌رساند. کنش غیر بیانی این پاره‌گفتار با فعل حمد، اظهاری و با فعل شکر، عاطفی است. همان‌طور که پیش‌ازین گفتیم، شکر از جمله فعل‌های مرتبط به گروه کنش عاطفی است.

در پاره‌گفتار بعد که از نظر معنایی به پاره‌گفتارهای پیشین مرتبط است، می‌بینیم که امام علی (ع) خداوند را بر ابتلا به کوفیان شکر می‌گوید: "وَعَلَى ابْتِلَائِي بِكُمْ". کنش ظاهری آن اظهاری است، زیرا امام در این پاره‌گفتار نیز خداوند را به خاطر موضوعی دیگر شکر می‌کند؛ اما کنش غیر بیانی و کنش ظاهری آن با هم تطابق ندارند. از یک سو، امام علی (ع) در پی حمد و شکر خداوند است و کنش غیر بیانی آن، عاطفی با فعل شکر است. از سوی دیگر، ایشان مردم را مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها به علت بی‌فرمانی گله و شکایت می‌کند. از این رو، دیگر کنش غیر بیانی این عبارت کنش عاطفی با فعل شکایت است. از این رو، در این

پاره‌گفتار، کنش عاطفی با دو دیدگاه و با دو فعل متفاوت تکرار می‌شود: شکر و شکایت، شکر خداوند و شکایت از مردم.

امام علی (ع) در پاره‌گفتارهای آتی سخن خود را خطاب به مردم ادامه می‌دهد: "أَيُّهَا الْفَرَقَةُ الَّتِي إِذَا أَمَرْتُ لَمْ تُطِعْ"، "وَ إِذَا دَعَوْتُ لَمْ تُجِبْ"، "إِنَّ أُمَّهَاتِكُمْ خُضَّتُمْ"، "وَ إِنَّ حُورِبَتُمْ خُرْتُمْ"، "وَ إِنَّ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى إِمَامٍ طَعْتُمْ"، "وَ إِنَّ أُجِيتُمْ إِلَى مُشَافَةِ نَكَصْتُمْ". همه این پاره‌گفتارها در ظاهر با کنش عاطفی گفته شده است؛ به عبارت دیگر، کنش ظاهری آن عاطفی است. کنش غیر بیانی آن نیز شبیه به کنش ظاهری آن است، زیرا امام علی (ع) مردم را به علت نافرمانی و لیبیک‌نگفتن خواسته امام در شرایط مختلف به بهانه‌های متعدد، سرزنش می‌کند.

دو پاره‌گفتار "مَا تَنْتَظِرُونَ بِذُصْرِكُمْ وَالْجِهَادِ عَلَى حَقِّكُمْ"؟، و "الْمَوْتَ أَوِ الدَّلَّ لَكُمْ"؟ با ظاهر استفهامی استفاده شده است. از این رو کنش ظاهری آن ترغیبی است، زیرا سؤال از جمله فعل‌های کنش ترغیبی است؛ اما درباره کنش غیر بیانی این دو پاره‌گفتار باید بگوییم امام علی (ع) کوفیان را سرزنش می‌کند، همچنین که به آن‌ها درباره پیشرفت شامیان در حمله به سرزمین مسلمانان هشدار می‌دهد. فعل‌های سرزنش کردن و هشدار دادن به کنش‌های غیر بیانی عاطفی و ترغیبی مرتبط هستند. از این رو، بین کنش ظاهری و غیر بیانی این دو پاره‌گفتار اختلاف وجود دارد.

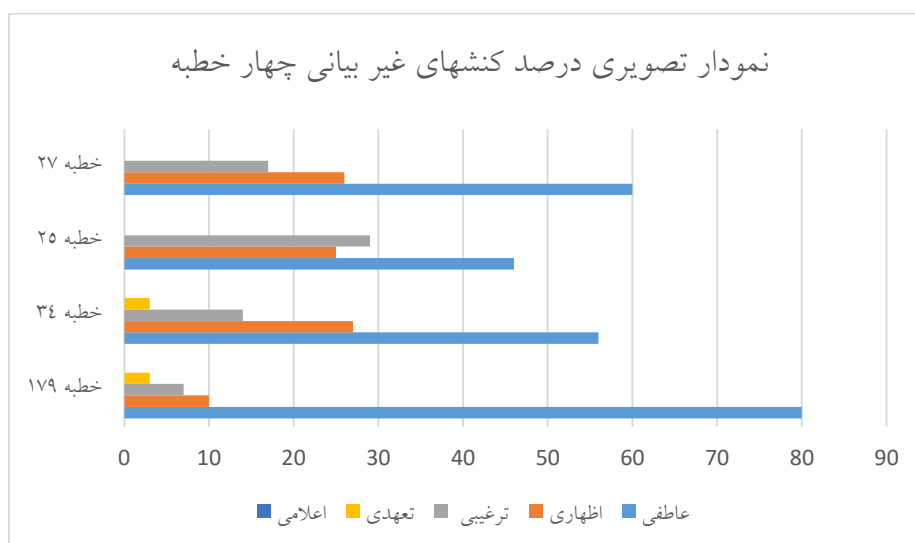
در برخی پاره‌گفتارها مانند "قَدْ دَارَ سِتُّكُمْ الْكِتَابَ"، "وَفَاتَحْتُمْ الْحِجَابَ"، و "وَعَرَفْتُمْ مَا أَنْكَرْتُمْ"، ظاهر عبارات حاکی از آن است که امام علی (ع) اقدامات مردم را بیان می‌کند. کنش ظاهری این پاره‌گفتارها، اظهاری با فعل تبیین است؛ اما امام (ع) در پی بیان این مسائل نیست، بلکه از این طریق تأسف و شکایت خود را بیان می‌کند؛ به عبارت دیگر، باینکه امام علی (ع) به خاطر آن‌ها همه این اقدامات را انجام داد، آن‌ها وی را آنچنان که باید نشناختند و ایشان را اطاعت نکردند.

در پایان، پاره‌گفتارهای "لَوْ كَانَ الْأَعْمَى يَلْحَظُ"، و "أَوِ النَّائِمُ يَسْتَيْقِظُ" را می‌بینیم که ظاهر آن‌ها حاکی از آن است که امام به بینایی نابینا و بیدار شدن کسی که در خواب است، امیدوار

است و کوفیان با اعمال خود همچون نابینایان و به خواب رفتگان هستند. هدف و قصد از بیان این پاره‌گفتارها نیز چنین است. از این رو، کنش‌های ظاهری و غیر بیانی این دو پاره‌گفتار با یکدیگر مطابقت می‌کند و هر دوی آن‌ها عاطفی با فعل امیدواری است؛ اما کوفیان کسانی بودند که از خواب سنگین خویش برنخاستند و ارزش وجودی امام علی (ع) را درک نکردند.

۸- درصد کنش‌های غیر بیانی و تحلیل آن‌ها

پس از شمارش کنش‌های غیر بیانی تمام پاره‌گفتارها در خطبه‌های مذکور، به نتایج زیر دست یافتیم. در شمارش خود کنش‌های ظاهری را مد نظر قرار نمی‌دهیم، زیرا گوینده گاهی در پی بیان چیزی است که با ظاهر سخنش تفاوت دارد. مهم قصد گوینده است. نکته قابل توجه آن است که پاره‌گفتارهای دارای دو یا چند کنش غیر بیانی، بر اساس تعداد کنش‌های غیر بیانی آن‌ها محاسبه شده است. نمودار زیر بیانگر میزان به‌کارگیری کنش‌های گفتاری مقایسه‌ای چند خطبه مذکور است.



*تعداد کنش‌های غیر بیانی خطبه شماره ۳۴، ۶۳ مورد است. کنش عاطفی با بیشترین آمار یعنی ۳۵ مورد، ۵۶ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی خطبه را به خود اختصاص داده است.

کنش اظهاری با ۱۷ مورد و ۲۷ درصد از کل خطبه، در جایگاه دوم قرار گرفته است. آمار کنش ترغیبی ۹ مورد و ۱۴ درصد است که در مرتبه سوم کنش‌های غیر بیانی قرار می‌گیرد. کنش تعهدی با دو بار تکرار، ۳ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی را به خود اختصاص داده است. در پایان کنش اعلامی قرار می‌گیرد که حتی یک بار هم در این خطبه ذکر نشده است.

** در خطبه ۳۴، ۴۱ پاره‌گفتار استفاده شده است که در ۱۹ مورد، یعنی ۴۶ درصد کنش غیر بیانی با کنش ظاهری تفاوت دارد. همچنین تعداد پاره‌گفتارهایی که دربردارنده بیش از یک کنش غیر بیانی هستند، ۱۰ مورد یا ۲۴ درصد از کل پاره‌گفتارهاست. بیشتر پاره‌گفتارها در این خطبه با یک کنش غیر بیانی ذکر شده است.

* تعداد کنش‌های غیر بیانی خطبه شماره ۲۷، ۹۳ مورد است. بیشترین آمار کنش‌ها در این خطبه از آن کنش عاطفی با ۵۳ مورد یا ۶۰ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی خطبه است. دومین جایگاه از آن کنش اظهاری است که با ۲۴ مورد، ۲۶ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی خطبه را به خود اختصاص داده است. کنش ترغیبی با ۱۶ مورد و ۱۷ درصد در سومین رتبه قرار گرفته است. در این خطبه به‌هیچ‌وجه از کنش تعهدی و اعلامی استفاده نشده است.

** در این خطبه ۵۸ پاره‌گفتار به کار رفته است که ۲۸ مورد از آن‌ها یا ۴۸ درصد از کل پاره‌گفتارها، دربردارنده چندین کنش غیر بیانی است. درصد کنش‌های گفتاری که در آن کنش ظاهری با کنش غیر بیانی تطابق ندارد، ۸۴ درصد یا ۴۹ پاره‌گفتار است.

* در سومین خطبه، یعنی خطبه شماره ۲۵، کنش‌های غیر بیانی آمار زیر را ثبت کرده‌اند: کنش عاطفی ۱۹ مورد و ۴۶ درصد. کنش ترغیبی ۱۲ مورد و ۲۹ درصد، کنش اظهاری ۱۰ مورد و ۲۵ درصد. کنش تعهدی و اعلامی در این خطبه نیز به‌هیچ‌وجه استفاده نشده است.

** امام علی (ع) در خطبه شماره ۲۵، از ۲۰ پاره‌گفتار بهره برده است. آمار کنش‌های غیر بیانی این خطبه ۴۱ مورد است. تنها در ۶ مورد از کنش‌های گفتاری یعنی ۳۰ درصد از کل پاره‌گفتارها، کنش ظاهری با کنش غیر بیانی تفاوت دارد. کنش‌های گفتاری که دارای چند کنش غیر بیانی هستند، ۱۲ مورد یا ۶۰ درصد از کل کنش‌های گفتاری است.

* در خطبه شماره ۱۷۹، ۳۲ پاره‌گفتار به کار رفته است. تعداد کنش‌های غیر بیانی این خطبه ۳۶ مورد است. کنش عاطفی با ثبت ۲۸ مورد، ۸۰ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی خطبه

را از آن خود کرده است. کنش‌های اظهاری، ترغیبی و تعهدی به ترتیب با ثبت ارقام ۴، ۳، ۱ مورد ۱۰، ۷ و ۳ درصد از کل کنش‌های غیر بیانی خطبه را به خود اختصاص داده‌اند. * ۱۳ درصد یا ۴ مورد از ۳۲ پاره‌گفتار خطبه ۱۷۹، دربردارنده چند کنش غیر بیانی است. در ۱۴ پاره‌گفتار، کنش ظاهری با کنش غیر بیانی تطابق ندارد که ۴۴ درصد از کل پاره‌گفتارهای خطبه را شامل می‌شود.

ویژگی منحصربه‌فرد خطبه ۱۷۹ آن است که بیشتر کنش‌های گفتاری این خطبه با کنش عاطفی بیان شده است. این نشان دهنده اوج ناراحتی امام علی (ع) به علت رنج‌هایی است که از جانب کوفیان متحمل شده است.

با مقایسه خطبه‌های چهارگانه از نظر اختلاف کنش غیر بیانی با کنش ظاهری یا به عبارتی دیگر اختلاف بین کنش مستقیم و غیرمستقیم، به این نتیجه رسیدیم که درصد اختلاف در خطبه‌های ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ به ترتیب ۴۶، ۸۴، ۳۰ و ۴۴ درصد است. این درصد بالا در همه خطبه‌های جنگ نشان دهنده چه چیزی است؟ امام علی (ع) پس از سستی کوفیان و مسلمانان در پیروی از دستورات امام خویش، این خطبه‌ها را ایراد فرموده است. پس طبیعتاً باید این خطبه‌ها با لحنی سرزنش‌آمیز بیان شود؛ اما علت درصد بالای کنش‌های گفتاری که کنش اظهاری و غیر بیانی در آن تطابق ندارد، چیست؟ چرا حضرت مردم را به طور مستقیم سرزنش نمی‌کند و به طور مستقیم در بیان حزن و اندوه خویش به علت نافرمانی کوفیان در انجام وظایف دینی و شرعی، با بیانی سرزنش‌آمیز سخن نمی‌گوید؟ امام علی (ع) ادیبی سخنور است که صراحتاً کلام خود را بیان نمی‌کند، بلکه به طور غیرمستقیم از نیت درونی خود سخن می‌گویند. کلام ادیبانه سخنی است که مخاطب را به تفکر وامی‌دارد.

از بین خطبه‌های مذکور، خطبه شماره ۲۷ در این زمینه بالاترین درصد یعنی ۸۴ درصد از خطبه را به خود اختصاص داده است. امام علی (ع) در این خطبه از فواید تمسک به جهاد و عواقب ترک آن برای مردم مسلمان سخن می‌گوید. گویی در این خطبه از نردبان بیانی استفاده شده است. امام در ابتدا از فواید دنیایی و اخروی جهاد سخن می‌گوید. در قالب این فواید، مردم را به شرکت در جهاد ترغیب و تشویق می‌کند. درعین حال، آن‌ها را به علت سستی و کاهلی در انجام این وظیفه سرزنش می‌کند. این امر موجب شده است در صد عدم تطابق بین

کنش ظاهری و غیر بیانی در این خطبه بالا رود. پس از آن، امام علی (ع) از حوادثی که در سرزمین مسلمانان روی داده سخن می‌گوید و در نهایت، مردم را به طور مستقیم سرزنش می‌کند.

درصد پاره‌گفتارهای با چند کنش غیر بیانی یا کنش‌های گفتاری پیچیده موضوع دیگری است که باید آن را بررسی کنیم. پیچیده بودن یک کنش گفتاری از ویژگی‌های قابل توجه کنش‌های گفتاری است، زیرا یک کنش گفتاری می‌تواند چند مفهوم یا معنی را دربرگیرد. در صد کنش‌های گفتاری پیچیده در خطبه‌های ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ به ترتیب ۲۴، ۴۸، ۶۰ و ۱۳ درصد است. می‌بینیم که خطبه شماره ۲۵ با ۶۰ درصد، بالاترین درصد را از آن خود کرده است. خطبه ۱۷۹ کمترین میزان را در این زمینه ثبت کرده است. از بین خطبه‌های جنگ، خطبه شماره ۱۷۹ ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. از جمله آن‌ها، کم بودن در صد کنش‌های گفتاری با چندین کنش غیر بیانی است. امام علی (ع) در این خطبه به طور مستقیم و بی‌آنکه از عبارات استعاری یا عباراتی با چند مفهوم بهره جوید، احساس خود را بیان می‌کند. ایشان در این خطبه مردم را به طور مستقیم سرزنش می‌کند.

در نمودار تصویری خطبه‌های چهارگانه، بالاترین درصد کنش‌های غیر بیانی در همه خطبه‌های مذکور از آن کنش عاطفی است. در صد این کنش در خطبه‌های ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ به ترتیب ۵۶، ۶۰، ۴۶ و ۸۰ درصد است. معمولاً وقتی از جنگ سخن می‌گوییم عباراتی برای ترغیب و تشویق مردم برای برخاستن در برابر دشمن به یاد می‌آوریم؛ اما با بررسی خطبه‌های جنگ امام علی (ع) شاهد تفاوتی گسترده در این زمینه هستیم. چرا کنش عاطفی بیش از کنش‌های دیگر به کار رفته است، در حالی که این کنش برای بیان حالات روحی استفاده می‌شود. چرا از کنش‌های ترغیبی بیش از دیگر کنش‌های غیر بیانی استفاده نشده است؟

بهره‌گیری از کنش عاطفی در این خطبه‌ها بیش از کنش‌های دیگر نشان‌دهنده احساسات امام علی (ع) در مقابل سستی و کاهلی مردم کوفه است که در برابر حملات شامیان از خواب غفلت برنخاستند. امام با استفاده از این کنش، از مردم کوفه شکایت می‌کند. کنش ترغیبی در خطاب به کسانی استفاده می‌شود که دستور فرمانده و راهبر خویش را پیروی می‌کنند و از وطن خود در برابر حملات دشمنان دفاع می‌کنند؛ اما مردمی که هم عصر و دوره امام علی (ع)

بودند، راحتی دنیا را به جایگاه والا در آخرت ترجیح می‌دادند. از این رو، در واکنش به دستور برای جهاد، به دنیا پناه و روی آوردند. به همین علت، استفاده از کنش ترغیبی در خطاب با چنین مردمی بیهوده و بی‌نتیجه است.

بار دیگر، می‌بینیم که خطبه شماره ۱۷۹ در میان آمار مذکور ویژگی خاصی دارد. این خطبه بیشترین آمار را در کنش عاطفی یعنی ۸۰ درصد به ثبت رسانده است. این درصد بسیار بالا از آلام امام علی (ع) به علت بی‌توجهی کوفیان به حملات معاویه به سرزمین خود حکایت دارد. آن‌ها همه چیز را رها کردند و امام را آنچنان که باید نشناختند و دستوراتش را اطاعت نکردند. دومین جایگاه در میان کنش‌های غیر بیانی در سه خطبه به کنش اظهاری اختصاص دارد. تنها در خطبه شماره ۲۵ است که با دیگر خطبه‌ها تفاوت اندکی دارد. در صد کنش اظهاری در خطبه‌های چهارگانه ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ به ترتیب ۲۶، ۲۷ و ۱۰ درصد است. همان‌طور که می‌بینیم این چهار خطبه در بردارنده درصدهای نزدیکی از کنش غیر بیانی اظهاری هستند. کنش اظهاری برای بیان آنچه در جهان روی می‌دهد استفاده می‌شود و گوینده با استفاده از این کنش درباره حوادث و مسائل اطراف خود سخن می‌گوید. امام علی (ع) نیز از این کنش برای بیان حوادث روی داده در سرزمین مسلمانان و اخباری که از طریق یارانش به گویش ایشان رسیده است، بهره می‌جوید. امام همچنین از این کنش برای بیان آنچه در قبال مسلمانان انجام داده است، استفاده می‌کند.

در خطبه شماره ۲۵ دومین جایگاه از آن کنش ترغیبی با تفاوتی اندک است، اما در هر صورت این کنش در جایگاه دوم قرار گرفته است.

سومین مرتبه در میان کنش‌های غیر بیانی خطبه‌های جنگ به کنش ترغیبی اختصاص دارد. با این تفاوت که در خطبه شماره ۲۵ کنش اظهاری با ۲۵ درصد در جایگاه سوم قرار گرفته است. درصد کنش ترغیبی در سه خطبه دیگر یعنی خطبه‌های ۳۴، ۲۷ و ۱۷۹ به ترتیب ۱۴، ۱۷ و ۷ درصد است. گوینده از طریق کنش ترغیبی تلاش می‌کند مخاطب را به انجام کاری ترغیب، تشویق یا وادار کند. این کنش همچنین اموری مانند نصیحت کردن، اجازه دادن، آرزو کردن، پرسیدن، توصیه کردن و... را نیز شامل می‌شود. از این رو، طبیعتاً این کنش در خطبه‌های جنگ در صد بالایی را به خود اختصاص دهد، زیرا آدمی گمان می‌کند که امام مردم را به طور

مستقیم به جهاد فرامی خواند و آن‌ها را برای مشارکت در این امر مهم به منظور حفظ جامعه اسلامی ترغیب می‌کند؛ اما امام علی (ع) پیش‌ازین، به آن‌ها برای جنگ با نیروهای معاویه به منظور حفظ وطن خود در برابر حمله دشمنان، دستور داده بود؛ اما آن‌ها سخن ایشان را گوش ندادند. از این رو، در این خطبه‌ها امام دیگر به طور مستقیم آن‌ها را به سوی نبرد نمی‌خواند. بلکه در مرحله نخست، از احساسات خود به علت بی‌توجهی و نافرمانی کوفیان سخن می‌گوید. آن‌ها کوچک‌ترین دشواری را در زمینه انجام واجبات شرعی خود تحمل نمی‌کنند و برای فرار از جنگ، جهاد و مقاومت در برابر دشمن، به هر بهانه‌ای متمسک می‌شوند. برخی از در صدهای مذکور به اموری غیر از ترغیب، نصیحت و دستور تعلق دارد، مانند سؤال و آرزو کردن. در خطبه شماره ۲۵ شاهد وجود برخی کنش‌های گفتاری با کنش ترغیبی هستیم که برای دستور و یا ترغیب کردن به سوی چیزی بیان نشده‌اند. بلکه از جمله کنش‌های گفتاری هستند که در حوزه سؤال یا آرزو قرار می‌گیرند. امام علی (ع) در این کنش‌ها درخواست خود از خداوند و چندین آرزو را بیان می‌کند. پس از آن که می‌فرماید "إِنِّي قَدْ مَلَلْتُهُمْ وَمَلُونِي"، آرزوی خود را در درگاه خداوند مطرح می‌کند که ناشی از نافرمانی کوفیان از دستورات امیرالمؤمنین است: "فَأَبْدَلْنِي بِهِمْ خَيْرًا مِنْهُمْ، وَأَبْدَلْهُمْ بِي شَرًّا مِنِّي، اللَّهُمَّ مَثِّ قُلُوبِهِمْ كَمَا يَمِثُّ الْمَلْحُ فِي الْمَاءِ". این کنش‌های گفتاری نیز در ضمن کنش ترغیبی قرار می‌گیرد.

کنش تعهدی در آخرین رتبه کنش‌های غیر بیانی خطبه‌های مذکور قرار گرفته است. این کنش در خطبه‌های ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ به ترتیب در صدهای ۳، ۰، ۰ و ۳ را به ثبت رسانده است. از این کنش در خطبه‌های ۲۷ و ۲۵ حتی یک بار هم استفاده نشده است. نکته قابل توجه آن است که چرا این درصد به میزان بسیار اندکی استفاده شده است؟ همان‌طور که پیش‌ازین گفتیم، کنش تعهدی کنشی است که گوینده معمولاً از آن برای بیان وعده خود به منظور انجام کاری در آینده استفاده می‌کند. از جمله افعالی که در زمره کنش تعهدی قرار می‌گیرد، وعده دادن است. امام علی (ع) در این خطبه‌ها در پی بیان وعده خود در خصوص هیچ موضوعی نیست یا نمی‌خواهد تعهد خود به موضوعی در قبال مردم را بیان کند، بلکه آن‌ها را به طور غیرمستقیم به شرکت در جهاد فرامی‌خواند یا از سستی آن‌ها گله و شکایت می‌کند. از این رو،

ایشان نیازی به استفاده از کنش تعهدی برای بیان تعهد خود به چیزی یا وعده به موضوعی ندارد. پس طبیعی است که درصد این کنش در خطبه‌های مذکور کاهش یابد. کنش‌های گفتاری ثبت شده با کنش تعهدی کنش‌هایی هستند که امام از طریق آن‌ها از عاقبت آن‌ها در پی سستی کردن در قبال دشمن سخن می‌گوید و وعده حوادث بدی را می‌دهد.

کنش اعلامی در میان کنش‌های غیر بیانی خطبه‌های جنگ از جایگاهی برخوردار نیست، زیرا در این خطبه حتی یک بار هم از آن استفاده نشده است. معمولاً از این کنش برای اعلام شرایط جدید به مخاطب استفاده می‌شود و مخاطب در پی مسائلی مانند عقد قرارداد، نصب و عزل و. برای انجام کاری متعهد شود. عدم ذکر این کنش در خطبه‌های جنگ بدان علت است که امام علی (ع) شرایط جدیدی را اعلام نمی‌کند تا کوفیان پس از اعلام مناصب یا وظایف جدید، متعهد به انجام کاری شوند.

۹- نتایج

در این پژوهش چند خطبه جنگ امیرالمؤمنین علی (ع) یعنی خطبه‌های ۳۴، ۲۷، ۲۵ و ۱۷۹ را از حیث ویژگی‌های کاربردشناختی بررسی کردیم و در پرتو نظریه کنش‌گفتاری جان سرل، کنش‌های گفتاری را تعیین کردیم و با توجه به آمارهای به دست آمده، خطبه‌های جنگ را بررسی کردیم و به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. کنش‌های غیر بیانی استفاده شده در این خطبه‌ها شامل کنش‌های عاطفی، اظهاری، ترغیبی و تعهدی است. نکته قابل توجه آن است که ترتیب استفاده از این کنش‌های غیر بیانی جز در خطبه شماره ۲۵، در خطبه‌های دیگر به یک شکل است. در این خطبه، کنش ترغیبی در جایگاه دوم و کنش اظهاری در جایگاه سوم قرار گرفته است.

۲. اولین جایگاه کنش‌های غیر بیانی در خطبه‌های مذکور به کنش عاطفی اختصاص دارد. آمار بهره‌گیری از این کنش در چهار خطبه مذکور ۳۵، ۵۳، ۱۹ و ۲۸ مورد یا ۵۶، ۶۰، ۴۶ و ۸۰ درصد است. نخستین چیزی که از خطبه‌های جنگ به ذهن آدمی متبادر می‌شود آن است که از کنش ترغیبی بیش از دیگر کنش‌ها استفاده شود، زیرا دستور دادن و ترغیب کردن از افعال کنش ترغیبی است؛ اما شاهد آن هستیم که درصد کنش عاطفی در همه خطبه‌های مذکور در

جایگاه نخست قرار گرفته است. شرایط و بافت سخن ما را به علت این موضوع رهنمون می‌شود. مخاطبان این خطبه‌ها یعنی کوفیان به انجام وظایف خود در دفاع از وطن نمی‌پردازند. این شرایط و سستی و کاهلی آن‌ها به تغییر آنچه در خطبه‌های جنگ رایج است، منجر می‌شود. آل‌امیر المؤمنین علی (ع) درباره سستی مردم در قبال دشمنان موجب شده است از این کنش بیش از دیگر کنش‌ها استفاده شود.

۳. کنش اظهاری دومین کنش در سه خطبه از خطبه‌های چهارگانه و سومین کنش در خطبه شماره ۲۵ است. این کنش در خطبه‌های مذکور ارقام ۱۷، ۲۴، ۱۰ و ۴ و به عبارتی دیگر ۲۷، ۲۶، ۲۵ و ۱۰ درصد را به ثبت رسانده است. کنش اظهاری برای تبیین و توضیح امور مختلف به کار می‌رود. امام علی (ع) از این کنش برای بیان حوادثی که در مرزهای سرزمین‌های اسلامی روی داده است، بهره می‌جوید. از این کنش در غالب موارد به دو شکل استفاده می‌شود: یا در آغاز خطبه به‌عنوان مقدمه، یا در کنش‌های گفتاری با کنش‌های دیگر به همراه چند کنش غیر بیانی دیگر به کار رفته است، یعنی افزون بر کنش اظهاری، برای اهدافی چون سرزنش کردن یا هشدار دادن استفاده شده است.

۴. سومین کنش در میان کنش‌های غیر بیانی کنش ترغیبی با ۹، ۱۶، ۱۲ و ۳ مورد یا ۱۴، ۱۷، ۲۹ و ۷ درصد است. هرچند این در خطبه‌ها از آل‌امام علی (ع) رفتار کوفیان و کاهلی آن‌ها در برابر نیروهای معاویه سخن گفته می‌شود، در حال این خطبه‌ها از خطبه‌های جنگ محسوب می‌شوند و به این میزان بهره‌گیری از کنش ترغیبی طبیعی است. امام علی (ع) مردم را به سمت میدان‌های نبرد ترغیب و تشویق می‌کند. شایان ذکر است که این موضوع به شکل ضمنی انجام می‌شود. در بیشتر کنش‌های گفتاری با کنش ترغیبی، شاهد آن هستیم که امام علی (ع) مردم را به طور مستقیم به سوی جنگ دعوت نمی‌کند. میزان استفاده از کنش ترغیبی در بین خطبه‌ها ۴۱ مورد است. تنها دو پاره‌گفتار با کنش ترغیبی در این خطبه‌ها آمده است که در بردارنده دیگر کنش‌ها نیست، یعنی تنها ۵ درصد از پاره‌گفتارهای با کنش ترغیبی به طور مستقیم مردم را هشدار می‌دهد و آن‌ها را به طور مستقیم به سوی جهاد فرامی‌خواند و ۹۵ درصد از پاره‌گفتارهای با کنش ترغیبی به همراه دیگر کنش‌های غیر بیانی عنوان شده است. این نکته بیانگر آن است که امام علی (ع) به طور مستقیم مردم را به سوی جهاد در راه خداوند

نمی‌خواند، زیرا شرایط به‌گونه‌ای است که باید این موضوع را به طور غیرمستقیم یا همراه با دیگر کنش‌های غیربیانی مطرح کرد.

۵. کنش تعهدی نیز در خطبه‌های مذکور به کار رفته است، اما میزان استفاده از آن در مقایسه با دیگر کنش‌ها در سطح بالایی نیست. تنها دو پاره‌گفتار در خطبه ۳۴ به کار رفته است که ۳ درصد از کل کنش‌های غیربیانی خطبه را شامل می‌شود. همچنین در خطبه شماره ۱۷۹، تنها یک بار به کار رفته است و ۳ درصد از کل کنش‌های غیربیانی خطبه را به خود اختصاص داده است. امام علی (ع) با استفاده از سوگند در پی بیان تعهد خویش به جهاد و ایستادن در مقابل دشمنان است یا با استفاده از آن، پایان کار کوفیان پس از نافرمانی از امیر مدبر خود را بیان می‌کند. امام علی (ع) در این‌گونه کنش‌های گفتاری در پی بیان تعهد خویش به موضوعی خاص نیست، زیرا با توجه به بافت سخن، نیازی به استفاده از این کنش در خطبه‌های مذکور نبوده است.

۶. کنش اعلامی حتی یک بار در چهار خطبه مذکور به کار نرفته است، زیرا امام علی (ع) در پی اعلام موضوع یا شرایطی جدید نبوده است، تا همان‌طور که در اموری مانند عقد و نصب و عزل، مردم پس از اعلام شرایط جدید به انجام کاری روی آورند.

۷. پس از بررسی کنش‌های گفتاری در خطبه‌های چهارگانه، به این نتیجه رسیدیم که کنش‌های گفتاری و کنش‌های غیربیانی می‌تواند ما را به سوی افکار گوینده و مخاطب رهنمون شود. درصد بالا و پایین یک کنش غیربیانی نشان‌دهنده نوع خاصی از افکار و اندیشه‌های هر دو طرف ارتباط یعنی گوینده و مخاطب است، به ویژه که این درصد در چهار خطبه جنگ امام علی (ع) با تغییراتی اندک ذکر شده است.

کتابنامه

منابع فارسی

۱. پهلوان نژاد، محمدرضا. رجب‌زاده، مهدی. (۱۳۸۹). تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا (ع) بر پایه نظریه کنش‌گفتار. دانشگاه فردوسی مشهد. فلسفه و کلام. ش ۲. صص ۳۷-۵۴
۲. فضائلی، مریم. نگارش، محمد. (۱۳۹۰ش). تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج‌البلاغه بر اساس طبقه بندی سرل از کنش‌های گفتاری. مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث. صص ۸۱-۱۱۸

۳. لاینز، جان. (۱۳۹۱ش). درآمدی بر معنی‌شناسی زبان. صفوی، کورش. انتشارات علمی. تهران. ط ۱.

منابع عربی

۱. ابن ظافر الشهري، عبدالهادی. (۲۰۰۴ م). استراتژی‌های گفتمان. دارالکتب الجديد المتحدہ. لیبی. چ ۱.
۲. بادیس لهویمیل. (۲۰۱۱). کاربردشناسی و بلاغت عربی. مجله المنخبر. دانشگاه محمد خیضر. بسکره. الجزائر. ش ۷. ص ۱۵۹.
۳. البحیری، اسامه محمد ابراهیم. (۱۴۳۲ق). بسته و باز بودن ساختار در ساختارگرایی، کاربردشناسی و بلاغت عربی. همایش پژوهش‌های بلاغی. ص ۸۱۰-۷۵۳.
۴. ربول، آن. موشلر، ژاک. (۲۰۰۳). کاربردشناسی امروزه. دغفوس، سیف‌الدین. الشیبانی، محمد. انتشارات دار الطبیعه. لبنان. بیروت. چ ۱.
۵. رزقی، حوریه. (۲۰۱۴). کاربردشناسی. مجله المنخبر. دانشگاه بسکره. الجزائر. ش ۱۰. ص ۱۳۱-۱۱۷.
۶. رمضان النجار، نادیه. کاربردشناسی و اجزای توانایی ارتباط. (۲۰۰۵). چهارمین همایش بین‌المللی زبان، ادب و نقد. ص ۱.
۷. السحالیه عبدالحکیم. (۲۰۰۹). کاربردشناسی. مجله المنخبر. دانشگاه بسکره. الجزائر. ش ۵. ص ۹۱.
۸. السحالیه، عبدالحکیم. (۲۰۰۸). کاربردشناسی فرزند نشانه‌شناسی. پنجمین همایش بین‌المللی نشانه و متن ادبی. ۴۳۴-۴۲۱.
۹. الشیدی، فاطمه. (۲۰۱۱). معنی خارج از متن. انتشارات دار نینوی. دمشق.
۱۰. صحراوی، مسعود. (۲۰۰۵). کاربردشناسی از دیدگاه علمای عرب. لبنان. دارالطبیعه.
۱۱. عبدالرحمن بودرع. تأثیر بافت در درک متن. بدون تاریخ.
۱۲. لعور، آمنه. قروی، زهیره. (۲۰۱۰-۲۰۱۱). بررسی کاربردشناختی کنش‌های گفتاری در سوریه کهف. دانشگاه منتوری. الجزائر.
۱۳. مزید، بهاء‌الدین محمد. (۲۰۱۰). شرح کاربردشناسی. القاہرہ. انتشارات شمس. چ ۱.

منابع انگلیسی

1. Vanderveken, Daniel & Kubo, Susumu. (2001). Essays in Speech Act Theory. John Benjamins Publishing. USA.

2. Austin. John Langshaw. (1962). How to Do Things with Words. Oxford University Press. London.

الدكتورة إنسيه طالبي (دكتورة في قسم اللغة العربية و آدابها، جامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران)
 الدكتور عباس طالبزاده شوشتری^١ (أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران، الكاتب المسنول)
 الدكتور أحمدرضا حیدریان شهري (أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية و آدابها بجامعة فردوسي مشهد، مشهد، إيران)

دراسة الخطب الحریبة للإمام علي (ع) على ضوء نظرية الأفعال الكلامية

الملخص

يسعى هذا المقال إلى تبين الأساليب التي طبقت عليها إحدى أهم نظريات السيميائية أي نظرية الأفعال الكلامية، وما اقترح أوستين من التعاريف والتقسيمات للأفعال الكلامية، وما قام به سيرل من إكمال وتعديل مساعي أوستين بصورة مختصرة. ثم يتناول دراسة بعض الخطب الحریبة للإمام علي (ع) أي الخطب ٣٤، و٢٧، و٢٥، و١٧٩، ويقراها من منظور وظيفي، محاولاً فتح نافذة تطلّ على تطبيق الأبحاث التداولية، خاصّة الأفعال الكلامية على النصوص الأدبية، مقيماً بإحصائيات تقدّم عدد مرّات تكرار الأفعال الكلامية أي الإخباريات، والتوجيهيات، والالتزاميات، والتعبيريات، والإعلانيات وأغراضها الحرفية والإنجازية، وتحليلها التداولية بالنظر إلى سياق الخطب المذكورة. وحاولنا دراسة هذا الموضوع أن الأفعال الكلامية للخطب المذكورة ترشدنا نحو ما يفكر به المخاطب و المتكلم أم لا؟ فهل النسبة العالية والصغيرة لغرض إنجازي ما يدلّ على نوع من الأفكار عند الاثنين أم لا؟ من اللافت للنظر، أن الحدّ الأقصى لأغراض الأفعال الكلامية في الخطب المذكورة يتعلّق بالغرض التعبيري في الخطب الأربع المدروسة، بأرقام ٥٦٪، و ٦٠٪، و ٤٦٪، و ٨٠٪ على التوالي. حرّى بالبيان أنّ نسبة ارتفاع الأغراض الخمسة في كافّة الخطب المدروسة نسبة مشتركة، أي الحدّ الأقصى فيها يتعلّق بالغرض التعبيري، ثمّ نشاهد الغرض الإخباري في المرتبة الثانية في ثلاث منها، ثم يأتي الغرض التوجيهي، والحدّ الأدنى جدّاً من نسبة الأغراض الإنجازية يختصّ بالغرضين الالتزامي والإعلاني، بما أنّ الإمام علي (ع) لا يريد بيان التزامه بشيء أو ليس في صدد الإعلان عن أمر جديد يجب الالتزام به.

الكلمات الرئيسية: الخطب الحریبة، التداولية، الفعل الكلامي، الغرض الإنجازي.